

واژه‌های مصوب کارگروه نقشه‌برداری

تا پایان دفتر شانزدهم – ۱۳۹۸

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۱	ارتفاع فشارسنجی		[مهندسی نقشه‌برداری]	← ارتفاع فشارسنجی	۷
۲	ارتفاع‌یابی مثلثاتی		[مهندسی نقشه‌برداری]	← تراز‌یابی مثلثاتی	۷
۳	بازتابنده		[مهندسی نقشه‌برداری]	← بازتاب‌گر	۲
۴	برداشت تصویرسنجی		[مهندسی نقشه‌برداری]	← برداشت تصویرسنجی	۷
۵	برداشت شهرسازی		[مهندسی نقشه‌برداری]	← برداشت شهرسازی	۷
۶	پاره‌چین هوایی		[مهندسی نقشه‌برداری]	← پاره‌چین عکسی هوایی	۴
۷	پس‌پراکنه رادار		[مهندسی نقشه‌برداری]	← پس‌پراکنه	۱۴
۸	پیش‌کوتاه‌نمایی رادار		[مهندسی نقشه‌برداری]	← کوتاه‌نمایی رادار	۱۴
۹	پیمایش زاویه‌سنجی		[مهندسی نقشه‌برداری]	← پیمایش زاویه‌ای	۱۰
۱۰	توان تفکیک سمتی		[مهندسی نقشه‌برداری]	← تفکیک سمتی	۱۴
۱۱	چوبه ۲		[مهندسی نقشه‌برداری]	← چوبه تراز‌یابی	۲
۱۲	خط مبنا		[مهندسی نقشه‌برداری]	← خط پایه	۷
۱۳	رده عارضه کدبندی‌شده		[مهندسی نقشه‌برداری]	← رده عارضه کدبندی‌شده مکانی	۱۵
۱۴	روان‌ساز جوشکاری		[مهندسی نقشه‌برداری]	← پودر جوشکاری	۱۴
۱۵	سنجش از دور		[مهندسی نقشه‌برداری]	← دور‌کاوی	۲
۱۶	طول پایه عکسی		[مهندسی نقشه‌برداری]	← خط مبنای عکسی	۱۰
۱۷	عمق‌یاب		[مهندسی نقشه‌برداری]	← عمق‌یاب پژواکی	۲
۱۸	موقعیت‌یاب ۲		[مهندسی نقشه‌برداری]	← موقعیت‌یاب جهانی	۴
۱۹	میل ۲		[مهندسی نقشه‌برداری]	← میله نقشه‌برداری	۲
۲۰	نشانگر		[مهندسی نقشه‌برداری]	← نشانگر مکانی	۱۵
۲۱	نقشه تصویرسنجی		[مهندسی نقشه‌برداری]	← نقشه تصویرسنجی	۸
۲۲	نقشه‌سازی تصویرسنجی		[مهندسی نقشه‌برداری]	← نقشه‌سازی تصویرسنجی	۸
۲۳	فرازی مطلق	absolute altitude	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرازی یک سیاره یا قمر از زمین	۷

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	د ف تر
۲۴	توجیه مطلق	absolute orientation	[مهندسی نقشه‌برداری]	مقیاس‌گذاری و تراز کردن و توجیه یک یا چند مدل برجسته متناسب با نقاط واپایش زمینی	۷
۲۵		accidental error → random error	[مهندسی نقشه‌برداری]		۲
۲۶	درستی	accuracy	[مهندسی نقشه‌برداری]	معیاری که نزدیکی برآیند مشاهدات یک کمیت را به اندازه واقعی آن نشان می‌دهد	۲
۲۷	درست	accurate	[مهندسی نقشه‌برداری]	ویژگی اندازه‌گیری یا کمیتی که به مقدار واقعی خود نزدیک باشد	۲
۲۸	تصویر بی‌فام	achromatic image	[مهندسی نقشه‌برداری]	تصویری که با تاییدن نور بر آن، نور بدون تجزیه به مؤلفه‌هایش از آن عبور می‌کند یا بازتاب می‌یابد	۱۰
۲۹	شیء فعال	active object	[مهندسی نقشه‌برداری]	شیئی که توانایی عملکرد مستقل بدون نیاز به یک محرک خارجی را دارد	۵
۳۰	سنجشگر فعال	active sensor	[مهندسی نقشه‌برداری]	← سامانه فعال	۱۴
۳۱	سامانه فعال	active system	[مهندسی نقشه‌برداری]	نوعی سامانه سنجش‌ازدور که تابشی را به سمت هدف ارسال می‌کند و تابش بازتابیده یا عبوری را دریافت می‌کند مت. سنجشگر فعال sensor active	۱۴
۳۲	قالب نشانی	address format	[مهندسی نقشه‌برداری]	ساختار و آرایش ویژه عناصر نشانی و روش هم‌تایابی مربوط که برای یک کاربرد خاص قابل استفاده باشد	۱۵
۳۳	کدبندی مکانی نشانی	address geocoding	[مهندسی نقشه‌برداری]	عملیاتی در سامانه اطلاعات مکانی (سام) برای تبدیل نشانی خیابان‌ها به داده‌های مکانی که به صورت عرضه بر روی نقشه قابل نمایش باشند	۱۵
۳۴	هم‌تایابی نشانی	address matching	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایندی که در آن یک نشانی یا یک جدول از نشانی‌ها با ویژگی‌های نشانی یک مجموعه داده مرجع مقایسه می‌شود تا مشخص شود که یک نشانی خاص در دامنه نشانی‌های مرتبط با عارضه موردنظر در مجموعه داده مرجع انطباق دارد یا خیر	۱۵
۳۵	گستره نشانی	address range	[مهندسی نقشه‌برداری]	گستره شماره‌های موجود در یک خیابان یا در بخشی از یک خیابان از کمترین تا بیشترین مقدار	۱۵
۳۶	خدمات نشانی	address service	[مهندسی نقشه‌برداری]	خدماتی که می‌توان از طریق آن موقعیت یک نشانی را تعیین و متقابلاً نشانی یک موقعیت را مشخص کرد	۱۵
۳۷	سرشکن کردن	adjust ۱	[مهندسی نقشه‌برداری]	عمل به حداقل رساندن خطاهای دسته‌ای از مشاهدات از طریق انجام عملیات ریاضی یا فیزیکی یا آماری	۲
۳۸	سرشکنی‌پذیر	adjustable ۱	[مهندسی نقشه‌برداری]	ویژگی مشاهداتی که می‌توان به روش سرشکنی خطای آنها را به حداقل رساند	۲
۳۹	ارتفاع سرشکن شده	adjusted elevation	[مهندسی نقشه‌برداری]	ارتفاعی که از افزودن تصحیح سرشکنی به ارتفاع قائم به دست می‌آید	۷
۴۰	سرشکنی	adjustment ۲	[مهندسی نقشه‌برداری]	مجموعه عملیات ریاضی یا فیزیکی یا آماری که برای به حداقل رساندن خطای دسته‌ای از مشاهدات یک یا چند کمیت مرتبط به کار رود	۲
۴۱	دوربین هوایی	aerial camera	[مهندسی نقشه‌برداری]	دوربینی که برای عکس‌برداری در هواگرد طراحی شده است	۸
۴۲	برداشت مغناطیسی هوایی	aerial magnetic survey	[مهندسی نقشه‌برداری]	برداشت تغییرات میدان مغناطیسی زمین	۱۴
۴۳	نقشه‌سازی هوایی	aerial mapping	[مهندسی نقشه‌برداری]	تهیه نقشه با استفاده از عکس‌های هوایی	۸
۴۴	پاره‌چین عکسی هوایی	aerial mosaic	[مهندسی نقشه‌برداری]	پاره‌چینی که از کنار هم چیدن عکس‌های هوایی تولید می‌شود مت. پاره‌چین هوایی	۴
۴۵	تصویرسنجی هوایی	aerial photogrammetry	[مهندسی نقشه‌برداری]	شاخه‌ای از تصویرسنجی که در آن از ماهواره یا هواگرد برای عکس‌برداری از زمین استفاده می‌شود	۴

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	د ف تر
۴۶	بررسی هوایی	aerial reconnaissance, aerial survey ۲	[باستان شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	روشی برای کشف و ثبت محوطه های باستانی با استفاده از انواع هواگرد	۱۳
۴۷	برداشت هوایی	aerial survey ۱, aerosurvey, air survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که با هواگرد و به کمک عکس برداری هوایی انجام می شود	۷
۴۸		aerial survey ۲ → aerial reconnaissance	[باستان شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]		۱۳
۴۹	نقشه برداری هوایی	aerial surveying	[مهندسی نقشه برداری]	بخشی از نقشه برداری که موضوع آن اندازه گیری و نقشه سازی به کمک تصویربرداری هوایی است	۴
۵۰	مثلث بندی هوایی	aerial triangulation, aerotriangulation	[مهندسی نقشه برداری]	تعیین مختصات نقاط زمینی از طریق اندازه گیری بر روی عکس های هم پوشان و به کمک مختصات نقاط زمینی از پیش معلوم	۵
۵۱	نقشه هوانوردی	aeronautical chart	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه ای که برای ناوبری هوایی طراحی می شود	۸
۵۲	عمق اپتیکی هواسلی	aerosol optical depth	[مهندسی نقشه برداری]	کمیتی که مقدار نور کسر شده از یک پرتو نور را، در طول مسیر، از طریق جذب یا پراکنش توسط هواسل های جوی نشان می دهد مت. ضخامت اپتیکی هواسلی aerosol optical thickness	۱۴
۵۳	ضخامت اپتیکی هواسلی	aerosol optical thickness	[مهندسی نقشه برداری]	← عمق اپتیکی هواسلی	۱۴
۵۴		aerosurvey → aerial survey	[مهندسی نقشه برداری]		۷
۵۵		aerotriangulation → aerial triangulation	[مهندسی نقشه برداری]		۵
۵۶	خط مبنای هوایی	air base	[مهندسی نقشه برداری]	خط واصل دو موقعیت مرکز عدسی دوربین یا فاصله بین مراکز عدسی یک جفت دوربین در لحظه عکس برداری	۱۰
۵۷		air survey → aerial survey	[مهندسی نقشه برداری]		۷
۵۸	راستایاب	alidade	[مهندسی نقشه برداری]	بخشی از دوربین نقشه برداری که شامل افزاره نشانه روی و ضمایم مربوط به قرائت و ثبت داده هاست	۷
۵۹	پویشگر طولی	along-track scanner	[مهندسی نقشه برداری]	ابزاری در سنجنش از دور که در آن شمار فراوانی حسگر، نور بازتابیده از سطح را در جهت حرکت ماهواره ثبت می کنند و در نتیجه، تصویری با خطوط پویشی مجاور با هم پوشانی مختصر تولید می شود	۱۴
۶۰	پویش طولی	along-track scanning	[مهندسی نقشه برداری]	پویشی که در آن آرایه ای خطی از آشکارسازها در جهت عمود بر پرواز قرار دارد و هر آشکارساز به موازات راستای پرواز در میدان دید لحظه ای خود تصویربرداری می کند	۱۴
۶۱	پیمایش فراز یافتی	altimetric traverse	[مهندسی نقشه برداری]	پیمایشی که در آن، معمولاً با یک فرازیاب، ارتفاع نقاط با اندازه گیری فشار هوا و تبدیل آن به فرازا به دست می آید	۹
۶۲	هوش محیط	ambient intelligence, AmI	[مهندسی نقشه برداری]	فضایی الکترونیکی و اطلاعاتی حساس به حضور افراد که با عملکردی هوشمند پاسخگوی نیازهای آنان است	۱۵
۶۳	هوش مکانی محیط	ambient spatial intelligence, AmSI	[مهندسی نقشه برداری]	هوش مربوط به محیط های ساختمانی و طبیعی برای پاسخگویی به پرسش های مکانی- زمانی و پایش رویدادهای جغرافیایی	۱۵
۶۴	ابهام	ambiguity	[زبان شناسی، مهندسی نقشه برداری]	[زبان شناسی] وضعیت ناظر بر واژه یا جمله ای که بیش از یک معنی دارد [مهندسی نقشه برداری] عدد صحیح طول موج در فاصله بین فرستنده و گیرنده مت. عدد صحیح ابهام integer ambiguity	۷

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	د ف تر
۶۵	رفع ابهام	ambiguity resolution	[مهندسی نقشه‌برداری]	روند محاسباتی یا الگوریتم/ خوارزمی تعیین مقدار ابهام	۷
۶۶		Aml → ambient intelligence	[مهندسی نقشه‌برداری]		۱۵
۶۷		Amsl → ambient spatial intelligence	[مهندسی نقشه‌برداری]		۱۵
۶۸	قیاسی به رقمی	analog to digital	[مهندسی نقشه‌برداری]	← تبدیل قیاسی به رقمی	۱۴
۶۹	تبدیل قیاسی به رقمی	analog-to-digital conversion	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایند تبدیل مقادیر قیاسی به معادل رقمی آنها مت. قیاسی به رقمی analog to digital	۱۴
۷۰	مبدل قیاسی به رقمی	analog-to-digital converter	[مهندسی نقشه‌برداری]	افزاره‌ای که نشانک/ سیگنال قیاسی را دریافت می‌کند و آن را، به‌صورتی مناسب، به قالب رقمی تبدیل می‌کند	۱۴
۷۱	تصویر قیاسی	analogue image	[مهندسی نقشه‌برداری]	تصویری که در آن تغییرات پیوسته یک ویژگی مشخص با تغییرات پیوسته در مایه خاکستری نشان داده شده باشد	۱۳
۷۲	تصویرسنجی قیاسی	analogue photogrammetry	[مهندسی نقشه‌برداری]	از روش‌های تصویرسنجی که در آن از دستگاه‌های قیاسی استفاده می‌شود	۴
۷۳	دستگاه تبدیل قیاسی	analogue stereoplotter	[مهندسی نقشه‌برداری]	دستگاه تبدیلی که در آن از ابزارهای مکانیکی و نوری برای توجیه و ترسیم عوارض و تولید خطوط تراز استفاده می‌کنند	۴
۷۴	تصویرسنجی تحلیلی	analytical photogrammetry	[مهندسی نقشه‌برداری]	از روش‌های تصویرسنجی که در آن از شیوه‌های تحلیلی استفاده می‌شود	۴
۷۵	دستگاه تبدیل تحلیلی	analytical stereoplotter	[مهندسی نقشه‌برداری]	دستگاه تبدیلی که از روش‌های تحلیلی برای توجیه و ترسیم عوارض و تولید خطوط تراز استفاده می‌کند	۴
۷۶	داده‌های کمکی	ancillary data	[مهندسی نقشه‌برداری]	داده‌هایی که از آنها در پردازش داده‌های اخذشده از تجهیزات استفاده می‌شود	۱۴
۷۷		angle of crab → crab angle	[مهندسی نقشه‌برداری]		۷
۷۸		angle of depression → depression angle	[مهندسی نقشه‌برداری]		۱۴
۷۹	پیمایش چپ‌گرد	angle-to-left traverse	[مهندسی نقشه‌برداری]	پیمایشی که در آن تمام زاویه‌ها پس از توجیه زاویه‌یاب از طریق دید عقب نسبت به ایستگاه قبلی در خلاف جهت عقربه‌های ساعت اندازه‌گیری می‌شود	۹
۸۰	پیمایش راست‌گرد	angle-to-right traverse	[مهندسی نقشه‌برداری]	پیمایشی که در آن تمام زاویه‌ها پس از توجیه زاویه‌یاب از طریق دید عقب نسبت به ایستگاه قبلی در جهت عقربه‌های ساعت اندازه‌گیری می‌شود	۹
۸۱	پهنای زاویه‌ای باریکه رادار	angular beam-width in radar	[مهندسی نقشه‌برداری]	زاویه‌ای که باریکه پرتو رادار در سطح افقی پوشش می‌دهد	۱۴
۸۲	خطای بست زاویه‌ای	angular misclosure	[مهندسی نقشه‌برداری]	اختلاف میان مجموع واقعی یک رشته زاویه و مقدار نظری آن مجموع	۱۲
۸۳	فرازای ظاهری	apparent altitude	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرازای زاویه‌ای یک چرم سماوی	۷
۸۴	افق ظاهری	apparent horizon	[مهندسی نقشه‌برداری]	خط نامنظمی که در امتداد آن پرتوهای گسیل‌شده از نقطه مشاهده مماس بر سطح زمین باشد مت. افق محلی horizon local افق مرئی visible horizon	۹
۸۵	شیب ظاهری	apparent slope	[مهندسی نقشه‌برداری]	شیب بخشی از زمین که در عکس‌های هوایی مشاهده‌شده با برجسته‌نما همراه با اعوجاج یا اغراق ارتفاعی (vertical exaggeration) به نظر می‌رسد	۹
۸۶	نقشه اختصاصی	arbitrary map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که به سفارش یک شرکت یا سازمان خاص برای مقاصد خاص تهیه می‌شود	۸

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۸۷	تصویرسنجی معماری	architectural photogrammetry	[مهندسی نقشهبرداری]	شاخه‌ای از تصویرسنجی که به اندازه‌گیری و ارزیابی آثار معماری و میراث فرهنگی می‌پردازد	۴
۸۸		area feature → areal feature	[مهندسی نقشهبرداری]		۷
۸۹		area survey → areal survey	[مهندسی نقشهبرداری]		۷
۹۰	همتایابی ناحیه‌مبنا	area-based image matching	[مهندسی نقشهبرداری]	همتایابی بر مبنای مقایسه الگوهای شدت مقادیر تصاویر	۱۳
۹۱	عارضه سطحی	areal feature, area feature	[مهندسی نقشهبرداری]	شکلی بسته که محدوده داخل آن سطحی همگن دارد	۷
۹۲	برداشت ناحیه‌ای	areal survey, area survey	[مهندسی نقشهبرداری]	برداشتی که تمام ایستگاه‌های یک منطقه را در بر می‌گیرد	۷
۹۳	برداشت ساخته‌ها	as-built survey	[مهندسی نقشهبرداری]	برداشتی که پس از تکمیل ساخت، برای یافتن نقاط جدید واپایش مسطحاتی و ارتفاعی و نیز تعیین موقعیت و پیشرفت سازه انجام می‌شود	۷
۹۴		astronomic tide → astronomical tide	[اقیانوس‌شناسی، مهندسی نقشهبرداری]		۸
۹۵	سمت نجومی	astronomical azimuth	[مهندسی نقشهبرداری]	← سمت حقیقی	۹
۹۶	کشند نجومی	astronomical tide	[اقیانوس‌شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشهبرداری]	کشند حاصل از گرانش ماه و خورشید	۸
۹۷	پیمایش نجومی	astronomical traverse	[مهندسی نقشهبرداری]	پیمایشی که در آن مختصات جغرافیایی نقاط با استفاده از مشاهدات نجومی محاسبه می‌شود	۵
۹۸	جذبایی جو	atmospheric absorbance	[مهندسی نقشهبرداری]	کسری از تابش که جذب جو می‌شود	۱۴
۹۹		atmospheric absorbtivity → atmospheric absorptance	[مهندسی نقشهبرداری]		۱۴
۱۰۰	جذبندگی جو	atmospheric absorptance, atmospheric absorbtivity	[مهندسی نقشهبرداری]	معیاری برای نشان دادن میزان جذب نور توسط مواد شیمیایی مختلف در جو	۱۴
۱۰۱	جذب جوی	atmospheric absorption/ atmospheric absorbtion	[مهندسی نقشهبرداری]	فرایندی که در طی آن ذرات موجود در جو انرژی تابشی جذب می‌کنند	۱۴
۱۰۲	تصحیح جوی	atmospheric correction	[مهندسی نقشهبرداری]	جبران آثار پراکنش گزینشی نور در جو	۱۴
۱۰۳	توجیه زاویه‌ای	attitude ۱	[مهندسی نقشهبرداری]	تعیین جهت یک جسم براساس زوایای میان محورهای مختصات آن جسم نسبت به محورهای مختصات مرجع خارجی	۱۴
۱۰۴	اطلاعات توصیفی	attribute ۱	[مهندسی نقشهبرداری]	مشخصه یا خصیصه یا کیفیت یک عارضه مکانی	۷
۱۰۵	طبقه اطلاعات توصیفی	attribute class	[مهندسی نقشهبرداری]	گروه مشخصی از اطلاعات توصیفی	۷
۱۰۶	کد اطلاعات توصیفی	attribute code	[مهندسی نقشهبرداری]	شناسه حرفی عددی اطلاعات توصیفی	۷
۱۰۷		automated cartography →	[مهندسی نقشهبرداری]		۴

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
		digital cartography			
۱۰۸	ترازیاب خودکار	automatic level, automatic levelling instrument	[مهندسی نقشه‌برداری]	ترازیابی مجهز به یک سامانه تصحیح‌کننده که وقتی دستگاه تا حدی از تنظیم تراز خارج شده باشد، سبب می‌شود خط دید به‌طور خودکار افقی باقی بماند مت. ترازیاب خودتنظیم self-adjusting level, self-aligning level	۷
۱۰۹		automatic levelling instrument → automatic level	[مهندسی نقشه‌برداری]		۷
۱۱۰	دستگاه تبدیل خودکار	automatic stereoplotter	[مهندسی نقشه‌برداری]	دستگاه تبدیلی که در آن از روش‌های خودکار برای توجیه و ترسیم عوارض و تولید خطوط تراز استفاده می‌کنند	۴
۱۱۱	جهت سمتی	azimuth direction	[مهندسی نقشه‌برداری]	در تصاویر راداری، جهتی که هواگرد به سمت آن پرواز می‌کند مت. راستای پرواز flight direction	۱۴
۱۱۲	تفکیک سمتی	azimuth resolution	[مهندسی نقشه‌برداری]	توان تفکیک مکانی در راستای سمتی مت. توان تفکیک سمتی	۱۴
۱۱۳		back azimuth → reverse azimuth	[مهندسی نقشه‌برداری]		۹
۱۱۴		back sight → backsight	[مهندسی نقشه‌برداری]		۷
۱۱۵		backscatter → radar backscatter	[مهندسی نقشه‌برداری]		۱۴
۱۱۶	دید عقب	backsight/ back sight	[مهندسی نقشه‌برداری]	قرائت چوبه ترازیابی بر روی نقطه‌ای که قبلاً قرائت شده است	۷
۱۱۷	ارتفاع فشارسنجی	barometric elevation	[مهندسی نقشه‌برداری]	ارتفاعی که از اندازه‌گیری فشار جوّی با فشارسنج به دست می‌آید مت. ارتفاع فشارسنجی	۷
۱۱۸	خط پایه	base line/ baseline	[مهندسی نقشه‌برداری]	خطی فرضی که دو نقطه را به هم وصل می‌کند و مبنای اندازه‌گیری محسوب می‌شود مت. خط مبنا	۷
۱۱۹	نقشه پایه	base map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که با افزودن اطلاعات به آن، نقشه‌های دیگری به دست می‌آید	۴
۱۲۰		baseline → base line	[مهندسی نقشه‌برداری]		۷
۱۲۱	کدبندی مکانی دسته‌ای	batch geocoding	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایند کدبندی مکانی هم‌زمان برای شمار بسیاری از اطلاعات مربوط به نشانی	۱۵
۱۲۲	ژرفاسنج	bathymeter	[مهندسی نقشه‌برداری]	دستگاهی برای انجام عملیات اندازه‌گیری ژرفا در اقیانوس‌ها و سایر آب‌ها	۲
۱۲۳	نقشه ژرفایی	bathymetric map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که در آن پستی‌وبلندی‌های کف دریا به تصویر کشیده شود	۲
۱۲۴	ژرفانگار	bathymetrograph	[مهندسی نقشه‌برداری]	وسیله‌ای برای ثبت دما برحسب عمق آب	۲
۱۲۵	ژرفاسنجی	bathymetry	[مهندسی نقشه‌برداری]	عملیات اندازه‌گیری ژرفا در اقیانوس‌ها و سایر آب‌ها	۲
۱۲۶		bearing ۱ → bearing of line	[مهندسی نقشه‌برداری]		۷
۱۲۷	سویه ۱	bearing of line, bearing ۱	[مهندسی نقشه‌برداری]	زاویه افقی یک امتداد با نصف‌النهار مرجع در ربعی که در آن قرار دارد	۷
۱۲۸	نشانه ارتفاعی	bench mark ۲	[مهندسی نقشه‌برداری]	نشانه‌ای کم‌وبیش ماندگار که ارتفاع آن با دقت کافی مشخص شود	۲
۱۲۹	تصویر دودویی	binary image	[مهندسی نقشه‌برداری]	تصویری رقمی که هر عنصر آن تنها دو مقدار می‌تواند داشته باشد	۱۴
۱۳۰	اشتباه	blunder	[مهندسی نقشه‌برداری]	خطایی که از بی‌توجهی افراد یا معیوب بودن دستگاه ناشی شود	۲

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۱۳۱	مقیاس کناری	border scale	[مهندسی نقشه‌برداری]	مقیاسی که در امتداد لبه نقشه رسم می‌شود	۸
۱۳۲	اثر نقاط اصلی	cardinal point effect	[مهندسی نقشه‌برداری]	علائم بسیار روشنی که گوشه‌های بازتاباننده‌ای که به‌صورت بهینه جهت‌گیری شده‌اند، آنها را پدید می‌آورند	۱۴
۱۳۳	نمودار نقشه	cartogram	[مهندسی نقشه‌برداری]	نموداری کوچک بر روی نقشه که اطلاعات کمی را نشان می‌دهد	۱۰
۱۳۴	نقشه‌نگار	cartographer	[مهندسی نقشه‌برداری]	کارشناس و متخصص نقشه‌نگاری	۴
۱۳۵	عارضه نقشه‌نگاشتی	cartographic feature	[مهندسی نقشه‌برداری]	هر عارضه طبیعی یا مصنوعی که بر روی نقشه نمایش داده شده است مت. عارضه نقشه map feature	۷
۱۳۶	مدل‌سازی نقشه‌نگاشتی	cartographic modelling	[مهندسی نقشه‌برداری]	← جبر نقشه	۷
۱۳۷		cartographic photography → mapping photography	[مهندسی نقشه‌برداری]		۸
۱۳۸	نقشه‌نگاری	cartography	[مهندسی نقشه‌برداری]	دانش و فناوری تهیه و بررسی نقشه	۴
۱۳۹	سنجش نقشه‌ای	cartometric scaling	[مهندسی نقشه‌برداری]	اندازه‌گیری دقیق مختصات جغرافیایی یا شبکه‌ای بر روی نقشه با خط‌کش مدرج	۱۰
۱۴۰	برهم‌گذاری رسته‌مبنا	category-wide overlay	[مهندسی نقشه‌برداری]	تخصیص مقادیر به کل نواحی موضوعی به‌عنوان تابعی از مقادیر دیگر لایه‌های مرتبط با یک رده مت. برهم‌گذاری منطقه‌مبنا region-wide overlay	۱۵
۱۴۱	تصویر آشکارساز تغییرات	change-detection image	[مهندسی نقشه‌برداری]	تصویری تفاضلی که از مقایسهٔ رقمی دو تصویر در زمان‌های مختلف به دست می‌آید و تغییرات را نشان می‌دهد	۱۳
۱۴۲	نقشه ۱	chart	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌های ناوبری دریانوردی و هوانوردی و برخی از نقشه‌هایی که کاربرد ویژه دارند	۲
۱۴۳	نقشه‌سازی ۱	charting	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایند طراحی و تولید نقشه‌های مورد نیاز در ناوبری	۲
۱۴۴	نسخه واریسی	check plot ۲	[مهندسی نقشه‌برداری]	نسخهٔ ترسیمی که برای بررسی و تصحیح محتوا یا دقت موقعیت داده‌های رقمی و نقشه به کار می‌رود	۴
۱۴۵	نقطه واریسی	check point ۲	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقطه‌ای بر روی زمین با موقعیت معلوم برای واپایش جابه‌جایی و سرشکنی و موقعیت	۴
۱۴۶	تراز کروی	circular level, universal level, spherical level	[مهندسی نقشه‌برداری]	ترازی که سطح زیرین آن کروی است و حباب داخل آن دایره است	۷
۱۴۷	پویشگر دَوْرانی	circular scanner	[مهندسی نقشه‌برداری]	ابزاری که با دَوْران یک آینه حول محور قائم، میدان دید لحظه‌ای از زمین را در نوارهای دایره‌ای پویش می‌کند	۱۴
۱۴۸	پویش دَوْرانی	circular scanning	[مهندسی نقشه‌برداری]	پویشی که در آن موتور و آینهٔ پویش بر محور دوران قائمی نصب شده‌اند که مسیری دایره‌ای را بر روی زمین می‌پیماید	۱۴
۱۴۹		circulation map → traffic-circulation map	[مهندسی نقشه‌برداری]		۸
۱۵۰		city map → urban map	[مهندسی نقشه‌برداری]		۸
۱۵۱		city survey → urban survey	[مهندسی نقشه‌برداری]		۷
۱۵۲	طبقه‌بندی پیمایش	classification of traverses, traverse classification	[مهندسی نقشه‌برداری]	دسته‌بندی پیمایش‌ها براساس میزان دقت واپایش در آنها	۹

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	د ف تر
۱۵۳	تصویرسنجی بُرد کوتاه	close range photogrammetry	[مهندسی نقشهبرداری]	شاخه‌ای از تصویرسنجی که در آن عکس‌برداری با دوربینی که در فاصلهٔ چندمیلی‌متری تا چندصدمتری شیء قرار دارد، انجام می‌شود	۴
۱۵۴		closed traverse → loop traverse	[مهندسی نقشهبرداری]		۵
۱۵۵		closure of traverse → error of closure of traverse	[مهندسی نقشهبرداری]		۵
۱۵۶	عملیات دسته‌بندی	clump operation	[مهندسی نقشهبرداری]	تخصیص مقادیر جدید به گروه‌های مجاور از خانک‌های درون هر رده از نقشه	۱۵
۱۵۷	نقشه‌سازی ساحلی	coastal mapping	[مهندسی نقشهبرداری]	تهیهٔ نقشه از ناحیهٔ ساحلی	۸
۱۵۸	خط کناره	coastline	[اقیانوس‌شناسی، زمین‌شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه‌برداری]	خطی که حداکثر پیشروی امواج توفانی بر روی ساحل / کرانه را نشان می‌دهد	۸
۱۵۹		co-declination → polar distance	[مهندسی نقشهبرداری]		۹
۱۶۰	حباب انطباقی	coincidence bubble	[مهندسی نقشهبرداری]	حبابی که مرکزی شدن آن با انطباق تصاویر دو لبهٔ آن بر هم مشخص می‌شود	۷
۱۶۱	تراز لویبایی	coincidence level	[مهندسی نقشهبرداری]	نوعی تراز استوانه‌ای که در آن تصاویرهای دو لبهٔ حباب با استفاده از یک سامانهٔ منشوری در مقابل هم دیده می‌شوند	۷
۱۶۲	نقشه‌سازی همکارانه	collaborative mapping	[مهندسی نقشهبرداری]	یکپارچه‌سازی نقشه‌های اینترنتی با محتوای کاربرزاد (content user-generated)	۱۵
۱۶۳	عدسی موازی‌ساز	collimating lens	[مهندسی نقشهبرداری]	نوعی عدسی که برای موازی ساختن پرتوهای ورودی به سامانهٔ نوری به کار می‌رود	۵
۱۶۴	موازی‌سازی	collimation ۱	[مهندسی نقشهبرداری]	هم‌راستا کردن با یک خط یا در یک جهت	۵
۱۶۵	هم‌راستاسازی ۲	collimation ۲	[مهندسی نقشهبرداری]	فرایند قرار دادن اجزای نوری یک دوربین دقیقاً در یک امتداد	۵
۱۶۶	محور هم‌راستایی	collimation axis	[مهندسی نقشهبرداری]	خط گذرنده از عدسی شیئی و عمود بر محور چرخش دوربین	۵
۱۶۷	خطای هم‌راستایی	collimation error	[مهندسی نقشهبرداری]	زاویهٔ انحراف بین محور دیدگانی موجود و محور دیدگانی کاملاً تنظیم‌شده	۵
۱۶۸	هم‌راستاساز	collimator ۲	[مهندسی نقشهبرداری]	وسیله‌ای که برای هم‌راستاسازی محورهای نوری اجزای مختلف یک سامانهٔ نوری مورد استفاده قرار می‌گیرد	۵
۱۶۹	تصویر ترکیب‌رنگی	colour-composite image	[مهندسی نقشهبرداری]	تصویری رنگی که از اختصاص رنگ‌های مختلف به باندهای متفاوت و ترکیب آنها به دست می‌آید	۱۳
۱۷۰	تصویر نسبتی ترکیب‌رنگی	colour-ratio composite image	[مهندسی نقشهبرداری]	تصویر ترکیب‌رنگی‌ای که از ترکیب تصاویر منفرد نسبتی برای یک صحنه، با استفاده از رنگ‌های مختلف، تولید می‌شود	۱۳
۱۷۱	مقیاس تألیف	compilation scale	[مهندسی نقشهبرداری]	مقیاسی که نقشه در آن تألیف می‌شود و ممکن است با مقیاس بیان‌شده در نقشه تفاوت داشته باشد	۹
۱۷۲		completion survey → field-completion survey	[مهندسی نقشهبرداری]		۷
۱۷۳	نقشهٔ ترکیبی	composite map	[مهندسی نقشهبرداری]	نقشه‌ای که از ترکیب دو یا چند نقشه با محدودهٔ جغرافیایی و دستگاه مختصات مرجع واحد به دست می‌آید	۸
۱۷۴	طول بستار	concluded length	[مهندسی نقشهبرداری]	طول پهلویی که اندازه‌گیری نمی‌شود، ولی برای اینکه شبکه تماماً متشکل از مثلث باشد، در شبکهٔ سه‌پهلوبندی که در ابتدا شامل یک شکل غیرمثلثی بوده است، گنجانده می‌شود	۱۰

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۱۷۵	بافت آگاهی	context awareness	[مهندسی نقشهبرداری]	فناوری توانمندساز سامانه‌های همه‌جاگاه	۹
۱۷۶	سامانه بافت آگاه	context-aware system	[مهندسی نقشهبرداری]	سامانه‌ای که با توجه به موقعیت یا بافت اطلاعات یا خدمات مناسب به کاربر ارائه می‌دهد	۹
۱۷۷	عکس برداری نوار پیوسته	continuous-strip photography	[مهندسی نقشهبرداری]	ثبت عکس بر روی نوار پیوسته، با دوربین‌های مخصوص	۲
۱۷۸		control net → control network	[مهندسی نقشهبرداری]		۴
۱۷۹	شبکه واپایش	control network, control net	[مهندسی نقشهبرداری]	شبکه نقشهبرداری که همه نقاط آن نقاط واپایش هستند	۴
۱۸۰	نقطه واپایش	control point	[مهندسی نقشهبرداری]	مجموعه‌ای از نقطه‌ها با موقعیت افقی یا عمودی معلوم که به‌عنوان مرجع ثابت در تعیین موقعیت و مرتبط کردن عوارض نقشه‌ای یا عکس‌های هوایی یا تصاویر دورکاوی به کار می‌رود	۴
۱۸۱		control station → ground control point	[مهندسی نقشهبرداری]		۴
۱۸۲	پاره‌چین واپایش شده	controlled mosaic	[مهندسی نقشهبرداری]	پاره‌چینی که از کنار هم چیدن عکس‌های واپایش شده تولید می‌شود	۴
۱۸۳	پاره‌چین عکسی واپایش شده	controlled photomosaic	[مهندسی نقشهبرداری]	پاره‌چینی که از کنار هم چیدن عکس‌های واپایش شده به دست می‌آید	۴
۱۸۴		conventional cartography → traditional cartography	[مهندسی نقشهبرداری]		۴
۱۸۵	عکس برداری هم‌گرا	convergent photography	[مهندسی نقشهبرداری]	عکس برداری از یک صحنه، از دو یا چند ایستگاه به‌طوری که محور دوربین‌ها هم‌گرا باشد	۲
۱۸۶	گوشه	corner ۳	[مهندسی نقشهبرداری]	نقطه‌ای که در آن دو یا چند خط مرزی با یکدیگر تلاقی می‌کنند	۱۰
۱۸۷	بازتابگر گوشه‌ای	corner reflector	[مهندسی نقشهبرداری]	گوشه‌ای که از دو یا سه صفحه مسطح متعامد تشکیل شده است و امواج الکترومغناطیسی را مستقیماً به سمت منبع برمی‌گرداند	۱۴
۱۸۸	صحیح	correct	[مهندسی نقشهبرداری]	ویژگی کمی که یک مقدار مشخص به آن افزوده یا از آن کاسته شده است تا انحراف‌های آن جبران شود	۲
۱۸۹	تصحیح	correction	[مهندسی نقشهبرداری]	افزودن یک مقدار به یک کمیت یا کاستن از آن برای جبران انحراف‌های مشخص و غیرقابل صرف‌نظر در اندازه‌گیری	۲
۱۹۰	تصحیحی	corrective	[مهندسی نقشهبرداری]	مربوط به تصحیح	۲
۱۹۱	صحت	correctness	[مهندسی نقشهبرداری]	ویژگی وضعیت یک کمیت پس از جبران انحراف‌های مشخص و غیرقابل صرف‌نظر در اندازه‌گیری آن	۲
۱۹۲	تصویر متناظر	corresponding image	[مهندسی نقشهبرداری]	هر تصویری از یک شیء که با دیگر تصاویر همان شیء تناظر داشته باشد	۱۰
۱۹۳	پرتی	crab	[مهندسی نقشهبرداری]	حالتی که در آن امتداد لبه‌های عکس هوایی موازی با یا عمود بر مسیر از پیش تعیین شده پرواز باقی نمی‌ماند	۷
۱۹۴	زاویه پرتی	crab angle, angle of crab	[مهندسی نقشهبرداری]	کوچک‌ترین زاویه میان خط پرواز و کناره‌ای از عکس که به راستای خط پرواز نزدیک‌تر است	۷
۱۹۵	قطبیده متقاطع	cross-polarized	[مهندسی نقشهبرداری]	← تصویر قطبیده متقاطع	۱۴
۱۹۶	تصویر قطبیده متقاطع	cross-polarized image	[مهندسی نقشهبرداری]	تصویری راداری که از جهت متقابل قطبش حاصل شده است و در آن راستای قطبش بازگشتی بر راستای قطبش ارسالی عمود است مت. قطبیده متقاطع cross-polarized	۱۴

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۱۹۷	پویشگر عرضی	cross-track scanner	[مهندسی نقشهبرداری]	ابزاری که با دَوَران یک آینه حول محور افقی، میدان دید لحظه‌ای را در نوارهایی موازی و عمود بر امتداد پرواز پویش می‌کند	۱۴
۱۹۸	پویش عرضی	cross-track scanning	[مهندسی نقشهبرداری]	پویشی که به کمک یک آینه نوسان‌کننده انجام می‌شود	۱۴
۱۹۹	سام جمع‌سپاری	crowdsourcing GIS	[مهندسی نقشهبرداری]	الگوی خاصی از تأمین داده که در آن افراد یا سازمان‌ها برای دریافت خدمات یا نظرهای موردنیاز خود از مشارکت اینترنتی کاربران استفاده می‌کنند	۱۵
۲۰۰		cultural feature → man-made feature	[مهندسی نقشهبرداری]		۷
۲۰۱		culture ۱ → man-made feature	[مهندسی نقشهبرداری]		۷
۲۰۲	تراز استوانه‌ای	cylindrical level	[مهندسی نقشهبرداری]	ترازی حباب‌دار به شکل استوانه	۷
۲۰۳	داده‌کاهی	data reduction	[علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، مهندسی نقشهبرداری]	کاهش حجم داده‌ها بدون از دست رفتن اطلاعات یا عوارض موردنظر	۱۴
۲۰۴	زاویه انحراف	deflection angle	[مهندسی نقشهبرداری]	زاویه‌ای افقی که با ادامه دادن خط قبلی در سمت چپ یا راست خط بعدی اندازه‌گیری می‌شود	۹
۲۰۵	چگالی تصویر	density of image, image density	[مهندسی نقشهبرداری]	میزان کدری یا تاریکی در شفافیت یک تصویر مثبت یا منفی	۱۳
۲۰۶	برداشت وابسته	dependent survey	[مهندسی نقشهبرداری]	برداشتی که در آن مختصات برخی نقاط، بدون هیچ تغییر، عیناً از برداشت‌های موجود استخراج می‌شود	۷
۲۰۷	زاویه اُفت ۱	depression angle, angle of depression	[مهندسی نقشهبرداری]	۱. زاویه بین خط دید و خط افق ۲. در رادار، زاویه میان سطح افقی فرضی گذرنده از آنتن و خطی که آنتن را به نشانه وصل می‌کند	۱۴
۲۰۸	اُفت افق	depression of the horizon, dip of the horizon	[مهندسی نقشهبرداری]	زاویه قائم در نقطه مشاهده بین افق حقیقی و خط دیدی که تا افق ظاهری امتداد دارد مت. زاویه اُفت ۲ angle dip اُفت dip ۱	۹
۲۰۹	برداشت تفصیلی	detailed survey	[مهندسی نقشهبرداری]	برداشتی که در آن عوارض کوچک موجود در منطقه نیز در نظر گرفته می‌شود	۷
۲۱۰	تصویر تفاضلی	difference image	[مهندسی نقشهبرداری]	تصویری که از تفریق مقادیر عناصر تصویری دو تصویر به دست می‌آید	۱۳
۲۱۱	نقشه‌نگاری رقمی	digital cartography, automated cartography	[مهندسی نقشهبرداری]	فرایند تولید نقشه با سامانه رایانه‌ای	۴
۲۱۲	تصویر رقمی	digital image, raster image, digitised picture	[مهندسی نقشهبرداری]	تصویر به‌دست‌آمده در وضعیتی که خصوصیت مورداندازه‌گیری از یک دامنه پیوسته از مقادیر قیاسی به دامنه‌ای با شمار محدودی از اعداد درست‌بیان‌شده تبدیل شده است	۱۳
۲۱۳	نقشه رقمی	digital map	[مهندسی نقشهبرداری]	نقشه‌ای که در واقع به‌صورت مجموعه‌ای از ارقام است و کاربرد رایانه‌ای دارد	۸
۲۱۴	ایستگاه کاری تصویرسنجی رقمی	digital photogrammetric workstation, DPW, soft copy workstation	[مهندسی نقشهبرداری]	مجموعه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری که به کمک روش‌های دستی و خودکار برای استخراج محصولات تصویرسنجی از تصاویر رقمی به کار می‌رود	۴
۲۱۵	تصویرسنجی رقمی	digital photogrammetry, soft copy photogrammetry, soft copy	[مهندسی نقشهبرداری]	شاخه‌ای از تصویرسنجی که در آن تصویر ورودی و داده‌های خروجی و پردازش‌ها رقمی هستند	۴
۲۱۶	دستگاه تبدیل رقمی	digital stereoplotter	[مهندسی نقشهبرداری]	دستگاه تبدیلی که در آن از روش‌های رقمی برای توجیه و ترسیم عوارض و تولید خطوط تراز استفاده می‌کنند	۴

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۲۱۷		digitised picture/ digitized picture → digital image	[مهندسی نقشه‌برداری]		۱۳
۲۱۸		digitized picture → digitised picture	[مهندسی نقشه‌برداری]		۱۳
۲۱۹	اُفت	dip ۱	[مهندسی نقشه‌برداری]	← اُفت افق	۹
۲۲۰	زاویه اُفت ۲	dip angle	[مهندسی نقشه‌برداری]	← اُفت افق	۹
۲۲۱		dip of the horizon → depression of the horizon	[مهندسی نقشه‌برداری]		۹
۲۲۲	ترازیابی مستقیم	direct levelling	[مهندسی نقشه‌برداری]	تعیین اختلاف ارتفاع با استفاده از تراز یاب و مشاهده مستقیم درجات روی چوبه تراز یابی	۷
۲۲۳	عملیات فاصله‌بندی	distance operation	[مهندسی نقشه‌برداری]	عملیاتی برای تولید نقشه جدید بر مبنای فواصل و مسیرهای بین نقاط مت. عملیات مجاورت proximity operation	۱۵
۲۲۴	تحویل فاصله	distance reduction	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایند یافتن فاصله واقع بر بیضوی مرجع یا یک سطح هم‌پتانسیل خاص که متناظر با فاصله اندازه‌گیری شده بر روی زمین است	۹
۲۲۵	کِشَند روزانه	diurnal tide	[اقیانوس‌شناسی، علوم جو، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه‌برداری]	کِشَندی که در آن در یک روز قمری یک فراکشند و یک فروکشند رخ می‌دهد	۸
۲۲۶	پیمایش رفت‌و برگشتی	double-run traverse	[مهندسی نقشه‌برداری]	پیمایشی که با رفت و برگشت بین نقطه شروع و نقطه پایان انجام می‌شود و در هر دو مرحله بر روی همه نقاط پیمایش ایستگاه‌گذاری (visiting stations) می‌شود	۹
۲۲۷		DPW → digital photogrammetric workstation	[مهندسی نقشه‌برداری]		۴
۲۲۸	ترازیاب یکپارچه	dummy level, dummy levelling instrument	[مهندسی نقشه‌برداری]	ترازیابی که دوربین آن به‌طور ثابت به صفحه پایه دستگاه متصل است	۷
۲۲۹		dummy levelling instrument → dummy level	[مهندسی نقشه‌برداری]		۷
۲۳۰	مدت درنگ	dwel time ۲	[مهندسی نقشه‌برداری]	مدت‌زمان لازم برای برداشت اطلاعات یک عنصر تصویری توسط آشکارساز	۱۴
۲۳۱	ارتفاع دینامیکی	dynamic elevation, dynamic height	[مهندسی نقشه‌برداری]	ارتفاعی که از تقسیم عدد ژئوپتانسیل بر مقدار ثابتی از گرانی مرجع به دست می‌آید	۵
۲۳۲		dynamic height → dynamic elevation	[مهندسی نقشه‌برداری]		۵
۲۳۳	نقشه پویا	dynamic map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که در آن رویدادهای دربردارنده حرکت یا عمل یا تغییر نمایش داده می‌شود	۵
۲۳۴		échappée (fr.) → escape note	[مهندسی نقشه‌برداری]		۵
۲۳۵		échelle ۲ (fr.) → scale	[عمومی، مهندسی نقشه‌برداری]		۱
۲۳۶	عمق یاب پژواکی	echo sounder	[مهندسی نقشه‌برداری]	دستگاهی که عمق آب را از طریق زمان رفت‌و برگشت تپ/ پالس صوتی یا فراصوتی اندازه می‌گیرد مت. عمق یاب	۲
۲۳۷	عمق یابی پژواکی	echo sounding	[باستان‌شناسی، مهندسی نقشه‌برداری]	فرایند اندازه‌گیری عمق آب از طریق اندازه‌گیری زمان رفت‌و برگشت تپ/ پالس صوتی یا فراصوتی	۲
۲۳۸	آشکارسازی لبه	edge detection	[مهندسی نقشه‌برداری]	تعیین وجود و آشکارسازی شکل و موقعیت لبه عارضه در یک تصویر	۵

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	د ف تر
۲۳۹	آشکارساز لبه	edge detector	[مهندسی نقشهبرداری]	عملگری برای مشخص کردن آن نواحی از تصویر که تغییر ناگهانی در درجهٔ خاکستری دارند	۵
۲۴۰	بهسازی لبه	edge enhancement	[مهندسی نقشهبرداری]	نوعی روش پردازش تصویر که در آن بر ظاهر ساختن خطوط و لبه‌ها تأکید می‌شود	۱۴
۲۴۱		EDM → electronic distance measurement	[مهندسی نقشهبرداری]		۲
۲۴۲	فاصله‌یاب الکترونیکی	electronic distance measurement, EDM	[مهندسی نقشهبرداری]	وسیله‌ای الکترونیکی که برای اندازه‌گیری فاصله براساس خواص امواج الکترومغناطیسی عمل می‌کند	۲
۲۴۳	تُنْدِیاب الکترونیکی	electronic tacheometer	[مهندسی نقشهبرداری]	تُنْدِیابی که از ابزار الکترونیکی برای فاصله‌یابی و زاویه‌یابی استفاده می‌کند	۲
۲۴۴	مبنای ارتفاعی	elevation datum	[مهندسی نقشهبرداری]	نقطه یا سطح ترازی که از آن به‌عنوان مرجع اندازه‌گیری ارتفاع استفاده می‌شود	۷
۲۴۵	نقشه‌برداری مهندسی	engineering surveying	[مهندسی نقشهبرداری]	شاخه‌ای از نقشه‌برداری که به کار تدارک اجرای بخش‌هایی از طرح‌های مهندسی می‌پردازد	۴
۲۴۶	مقیاس معادل	equivalent scale	[مهندسی نقشهبرداری]	نسبت فاصلهٔ کوتاهی بر روی نقشه به فاصلهٔ نظیر آن بر روی زمین	۸
۲۴۷	خطادار	erroneous	[مهندسی نقشهبرداری]	کمیت یا پارامتری که دارای خطا باشد	۲
۲۴۸	خطا ۱	error	[مهندسی نقشهبرداری]	اختلاف میان مقدار مشاهده‌شده یا محاسبه‌شدهٔ یک کمیت با مقدار واقعی یا پذیرفته‌شدهٔ آن	۲
۲۴۹		error of closure → levelling misclosure	[مهندسی نقشهبرداری]		۱۲
۲۵۰		error of closure in levelling → levelling misclosure	[مهندسی نقشهبرداری]		۱۲
۲۵۱	خطای بست پیمایش	error of closure of traverse, misclosure of traverse, closure of traverse	[مهندسی نقشهبرداری]	عددی که تفاوت مختصات محاسبه‌شده از پیمایش با مختصات داده‌شدهٔ نقطهٔ واپایش پیمایش را نشان می‌دهد	۵
۲۵۲	خبره‌سپاری	expertsourcing/expert sourcing/expert-sourcing	[مهندسی نقشهبرداری]	واگذاری حل یک مسئله به فرد یا افرادی که دارای تجربهٔ کافی در زمینهٔ مشخصی هستند	۱۵
۲۵۳	برداشت کاوشی	exploratory survey	[مهندسی نقشهبرداری]	برداشتی که برای به دست آوردن اطلاعات عمومی دربارهٔ منطقه‌ای که سوابقی از آن موجود نیست انجام می‌شود	۷
۲۵۴		exterior angle → external angle	[مهندسی نقشهبرداری]		۹
۲۵۵		exterior orientation → outer orientation	[مهندسی نقشهبرداری]		۷
۲۵۶	زاویهٔ خارجی	external angle, exterior angle	[مهندسی نقشهبرداری]	زاویهٔ بین یک ضلع و امتداد ضلع مجاورش در خارج از چندضلعی	۹
۲۵۷	طول پایهٔ چشمی	eye base, interpupillary distance, interocular distance	[مهندسی نقشهبرداری]	فاصلهٔ میان مراکز مردمک‌های دو چشم	۱۰
۲۵۸	کاذب‌رنگ	false colour	[مهندسی نقشهبرداری]	رنگی که با افزودن آن به تصویر بازهٔ بسامدهایی که به چشم انسان نامرئی هستند، مرئی می‌شود یا تباین نوریشان تشدید می‌گردد	۴
۲۵۹	عکس‌برداری کاذب‌رنگ	false colour photography	[مهندسی نقشهبرداری]	نوعی عکس‌برداری که در آن تصاویر کاذب‌رنگ تولید می‌شود	۴

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	د ف تر
۲۶۰	تصویر کاذب رنگ	false-colour image	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری که در آن، به جای رنگ‌های طبیعی، رنگ‌های دیگر به کار رفته باشد	۱۰
۲۶۱	عارضه	feature ۲	[مهندسی نقشه برداری]	مجموعه‌ای از نقاط و خطوط و چندضلعی‌ها در پایگاه داده‌های مکانی که بیانگر یک شیء در جهان واقعی است	۷
۲۶۲	جدول اطلاعات توصیفی عارضه	feature attribute table	[مهندسی نقشه برداری]	جدولی حاوی اطلاعات مربوط به یک طبقه عارضه مشخص	۷
۲۶۳	کُد عارضه	feature code	[مهندسی نقشه برداری]	شناسه حرفی عددی برای توصیف یا طبقه‌بندی عارضه جغرافیایی یا مکانی	۷
۲۶۴	جاب‌جایی عارضه	feature displacement	[مهندسی نقشه برداری]	تغییر دادن جای عوارض نقشه برای جلوگیری از تداخل با سایر عوارض یا روی هم چاپ شدن آنها	۷
۲۶۵	استخراج عارضه	feature extraction	[مهندسی نقشه برداری]	گزینش جنبه‌های مهم یک تصویر رقومی به‌عنوان راهنمای همتایابی تصویر و بازشناسی الگو	۷
۲۶۶	شناسه عارضه	feature identifier	[مهندسی نقشه برداری]	شناسه‌ای یکتا برای بازشناسی هر عارضه	۷
۲۶۷	ارتباط عارضه	feature relationship	[مهندسی نقشه برداری]	رابطه میان مصادیق یک نوع عارضه با سایر مصادیق همان نوع عارضه یا با مصادیق سایر انواع عارضه	۷
۲۶۸	فضای عارضه	feature space	[مهندسی نقشه برداری]	فضای نظری چندبُعدی شامل چند شیء شطرنجی	۷
۲۶۹	همتایابی عارضه‌مبنا	feature-based image matching	[مهندسی نقشه برداری]	همتایابی بر مبنای یافتن همخوانی میان عوارض تصاویر	۱۳
۲۷۰	علامت اطمینان	fiducial mark, fiducial marker	[مهندسی نقشه برداری]	هر یک از علامت‌هایی که نشانگر محورهایی هستند که تقاطعشان نقطه اصلی عکس را نشان می‌دهد	۱۰
۲۷۱		fiducial marker → fiducial mark	[مهندسی نقشه برداری]		۱۰
۲۷۲		field completion → field-completion survey	[مهندسی نقشه برداری]		۷
۲۷۳	برداشت تکمیلی	field-completion survey, field completion, completion survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشت یا بازبینی میدانی برای تکمیل نقشه‌ای که بخشی از اطلاعات آن براساس عکس‌های هوایی تهیه می‌شود	۷
۲۷۴	ترازیابی درجه یک	first-order levelling	[مهندسی نقشه برداری]	← ترازیابی دقیق	۷
۲۷۵	برداشت درجه یک	first-order survey, primary survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که با بیشترین دقت و درستی ممکن انجام می‌شود	۷
۲۷۶	پیمایش درجه یک	first-order traverse	[مهندسی نقشه برداری]	پیمایشی بسته که با معیارهای جهانی نقاط واپایش درجه یک مطابقت دارد	۵
۲۷۷	راستای پرواز	flight direction	[مهندسی نقشه برداری]	← جهت سمتی	۱۴
۲۷۸	نقطه شناور	floating mark, floating point	[مهندسی نقشه برداری]	نشانه‌ای در فضای سه‌بُعدی که از ترکیب سه‌بُعدی یک جفت عکس تشکیل می‌شود و در اندازه‌گیری مدل سه‌بُعدی به‌عنوان نشانه مرجع به کار می‌رود	۵
۲۷۹		floating point → floating mark	[مهندسی نقشه برداری]		۵
۲۸۰		FMC → image-motion compensation	[مهندسی نقشه برداری]		۱۰
۲۸۱	دید جلو	foresight ۲	[مهندسی نقشه برداری]	قرائت چوبه ترازیابی بر روی نقطه بعدی، یعنی نقطه‌ای که قرار است ارتفاع آن تعیین شود	۷
۲۸۲		forward overlap → longitudinal overlap	[مهندسی نقشه برداری]		۱۴

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	د ف تر
۲۸۳		forward-motion compensation → image-motion compensation	[مهندسی نقشه برداری]		۱۰
۲۸۴	مقیاس کسری	fractional scale	[مهندسی نقشه برداری]	← مقیاس عددی	۸
۲۸۵	پیمایش چارچوب دار	framed traverse	[مهندسی نقشه برداری]	پیمایشی با واپایش موقعیتی و سوبه ای کامل	۱۰
۲۸۶	نقشه عمومی	general map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه ای که انواع عارضه های جغرافیایی را نشان می دهد	۸
۲۸۷	نقشه عام منظوره	general-purpose map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه ای که گستره وسیعی از اطلاعات مورد نیاز کاربران مختلف را ارائه می کند	۸
۲۸۸		geobased information system → geospital information system	[مهندسی نقشه برداری]		۴
۲۸۹		geo-centred coordinate system → geocentric coordinate system	[مهندسی نقشه برداری]		۵
۲۹۰	دستگاه مختصات زمین مرکز	geocentric coordinate system/ geo-centred coordinate system	[مهندسی نقشه برداری]	دستگاه مختصاتی که مبدأ آن در مرکز زمین فرض می شود	۵
۲۹۱	کد بندی مکانی	geocode, geocoding	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند تعیین موقعیت یک مکان به صورت مختصات جغرافیایی از طریق مقایسه آن با دیگر داده های جغرافیایی	۱۵
۲۹۲	رده عارضه کد بندی شده مکانی	geocoded feature class	[مهندسی نقشه برداری]	یک رده عارضه که با کد بندی مکانی دسته ای تولید شده باشد مت. رده عارضه کد بندی شده	۱۵
۲۹۳		geocoding → geocode	[مهندسی نقشه برداری]		۱۵
۲۹۴	کد گر مکانی	geocoding engine	[مهندسی نقشه برداری]	هستاری در چهارچوب کد بندی مکانی که فرایند کد بندی را پیش می برد	۱۵
۲۹۵	نمایه کد بندی مکانی	geocoding index	[مهندسی نقشه برداری]	نمایه ای در داده های مرجع که برای همتایابی اطلاعات در داده های مرجع با مکان یاب نشانی (address locator) به کار می رود	۱۵
۲۹۶	بستر کد بندی مکانی	geocoding platform	[مهندسی نقشه برداری]	هستاری مفهومی در چهارچوب کد بندی مکانی که میانجی برهم کنش آرک جی آی اس (ArcGIS) را با عوامل ورودی تنظیم شده در مکان یاب نشانی و فرایندهای کد گر مکانی ترکیب می کند	۱۵
۲۹۷	فرایند کد بندی مکانی	geocoding process	[مهندسی نقشه برداری]	گام های مربوط به برگردان مدخل نشانی و جست و جو برای نشانی در داده های مرجع موجود در مکان یاب نشانی و انتخاب بهترین گزینه از میان نامزدها	۱۵
۲۹۸	داده های مرجع کد بندی مکانی	geocoding reference data	[مهندسی نقشه برداری]	داده هایی که برای نمایش هندسی مکان های مورد نظر در خدمات دهی کد بندی مکانی به کار می روند	۱۵
۲۹۹	پایگاه قواعد کد بندی مکانی	geocoding rule base	[مهندسی نقشه برداری]	مجموعه ای از پرونده ها که کد گر مکانی را در جهت استاندارد سازی داده های نشانی و تطبیق آنها با مکان مربوط در داده های مرجع هدایت می کند	۱۵
۳۰۰		geographic information system → geospital information system	[مهندسی نقشه برداری]		۴
۳۰۱	دیدرس جغرافیایی	geographic range	[مهندسی نقشه برداری]	حداکثر فاصله ای که در آن با توجه به انحنای زمین و ارتفاع شیء و نقطه دید می توان شیئی را دید	۹
۳۰۲		geographical awareness → spatial context awareness	[مهندسی نقشه برداری]		۹

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	د ف تر
۳۰۳	نقشه زمینوار	geoidal map	[مهندسی نقشهبرداری]	نقشه‌ای که ارتفاع زمینوار را نسبت به بیضوی مرجع با استفاده از منحنی میزان نشان می‌دهد	۸
۳۰۴		geomatics engineering → surveying engineering	[مهندسی نقشهبرداری]		۴
۳۰۵		geometric horizon/ geometrical horizon → true horizon	[مهندسی نقشهبرداری]		۹
۳۰۶		geometrical horizon → geometric horizon	[مهندسی نقشهبرداری]		۹
۳۰۷	سامانه اطلاعات مکانی	geospatial information system, spatial information system, geographic information system, geobased information system	[مهندسی نقشهبرداری]	سامانه‌ای رایانه‌ای برای ایجاد و مدیریت داده‌های مکانی و اطلاعات توصیفی مرتبط و ذخیره‌سازی و ویرایش و تلفیق و تحلیل و ارائه اطلاعات مکان‌مبنا اخت. سام GIS	۴
۳۰۸	نشان مکانی	geotag	[مهندسی نقشهبرداری]	داده‌های جانپاده‌شده در یک رسانه رقمی برای تعیین اطلاعات مکانی، معمولاً طول و عرض جغرافیایی، مربوط به شیء موردنظر	۱۵
۳۰۹	نشان‌گذاری مکانی	geotagging	[مهندسی نقشهبرداری]	فرایند افزودن نشان مکانی به عکس یا دیگر رسانه‌های رقمی	۱۵
۳۱۰	سام	GIS	[مهندسی نقشهبرداری]	← سامانه اطلاعات مکانی	۴
۳۱۱		GIS → geospatial information system	[مهندسی نقشهبرداری]		۴
۳۱۲	سامانه موقعیت‌یابی جهانی	global positioning system, GPS ۱	[مهندسی نقشهبرداری]	سامانه تعیین موقعیت و ناوبری ماهواره‌ای از نوع غیرفعال	۴
۳۱۳	زاویه‌سنج	goniometer	[مهندسی نقشهبرداری]	وسیله‌ای برای اندازه‌گیری زاویه‌های افقی	۴
۳۱۴	برداشت زاویه‌سنجشی	goniometric survey	[مهندسی نقشهبرداری]	← پیمایش زاویه‌ای	۱۰
۳۱۵	پیمایش زاویه‌ای	goniometric traverse	[مهندسی نقشهبرداری]	نوعی پیمایش که در آن موقعیت زنجیره‌ای از نقاط با اندازه‌گیری فاصله میان نقاط و زاویه بین پهلوه‌ها تعیین می‌شود مت. پیمایش زاویه‌سنجشی مت. پیمایش برداشت survey traverse برداشت چندضلعی‌سنجشی survey polygonometric برداشت زاویه‌سنجشی survey goniometric	۱۰
۳۱۶	زاویه‌سنجی	goniometry	[مهندسی نقشهبرداری]	روشی مکانیکی برای اندازه‌گیری زاویه	۴
۳۱۷		GPS ۱ → global positioning system	[مهندسی نقشهبرداری]		۴
۳۱۸	موقعیت‌یاب جهانی	GPS receiver	[مهندسی نقشهبرداری]	دستگاهی برای اندازه‌گیری فاصله گیرنده از ماهواره‌های متعدد برای تعیین موقعیت آن از طریق محاسبه محل تلاقی بُردارهای فواصل مذکور مت. موقعیت‌یاب ۲	۴
۳۱۹	مقیاس ترسیمی	graphic scale	[مهندسی نقشهبرداری]	نوعی مقیاس که با خط یا نوار مدرج در حاشیه نقشه نمایش داده می‌شود	۲
۳۲۰	تصویر درجه‌خاکستری	grayscale image	[مهندسی نقشهبرداری]	تصویری که در آن رنگ‌ها تنها سایه‌هایی از خاکستری هستند	۱۳
۳۲۱	انحراف مغناطیسی شبکه	grid magnetic angle, grivation, grid variation	[مهندسی نقشهبرداری]	زاویه بین شمال شبکه و شمال مغناطیسی در جهت عقربه‌های ساعت	۹
۳۲۲		grid variation → grid magnetic angle	[مهندسی نقشهبرداری]		۹

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	د ف تر
۳۲۳		grivation → grid magnetic angle	[مهندسی نقشه‌برداری]		۹
۳۲۴	نقطه واپایش زمینی	ground control point, control station	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقطه‌ای با مختصات مشخص که در عملیات نقشه‌برداری مرتبط مورد استفاده قرار می‌گیرد	۴
۳۲۵	فاصله زمینی	ground distance, ground range	[مهندسی نقشه‌برداری]	فاصله بین دو نقطه بر روی زمین در امتداد دایره عظیمه گذرنده از آن دو نقطه	۹
۳۲۶		ground range → ground distance	[مهندسی نقشه‌برداری]		۹
۳۲۷	ایستگاه گیرنده زمینی	ground receiving station	[مهندسی نقشه‌برداری]	مکانی که در آن داده‌های ارسال شده از ماهواره ثبت می‌شود	۱۴
۳۲۸	خانک تفکیک زمینی	ground resolution cell	[مهندسی نقشه‌برداری]	مکانی بر روی زمین که تحت پوشش میدان دید آنی (of instantaneous field of view) آشکارساز قرار دارد	۱۴
۳۲۹		half mark → index mark	[مهندسی نقشه‌برداری]		۵
۳۳۰		height displacement → relief displacement	[مهندسی نقشه‌برداری]		۵
۳۳۱	ارتفاع کِشند	height of tide	[اقیانوس‌شناسی، ژئوفیزیک، علوم جَوّ، مهندسی نقشه‌برداری]	فاصله عمودی سطح آب از سطح مبنای کِشندی (chart datum) در هر زمان	۸
۳۳۲	دستگاه مختصات خورشیدمرکز	helio centric coordinate system, sun-centred coordinate system	[مهندسی نقشه‌برداری]	دستگاه مختصاتی که مبدأ آن در مرکز خورشید فرض می‌شود	۵
۳۳۳	نقشه نیم‌کره	hemispherical map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه نیمه استوایی یا نیمه‌های نصف‌النهار زمین	۸
۳۳۴	عکس بسیار مایل	high-oblique photograph	[مهندسی نقشه‌برداری]	عکس مایلی که افق در آن دیده می‌شود	۴
۳۳۵	تصویر تمام‌نگاشتی	hologram imagery, holograph	[مهندسی نقشه‌برداری]	تصویری که بر مبنای روش‌هایی با امکان ساخت تصاویر سه‌بعدی تولید می‌شود و در آنها از لیزر و تداخل و پراش و ثبت شدت نور و نوردهی مناسب ثبت استفاده می‌شود به‌نحوی که تصویر حاصل، هماهنگ با تغییر موقعیت و جهت دستگاه بینایی تغییر می‌کند	۱۳
۳۳۶		holograph → hologram imagery	[مهندسی نقشه‌برداری]		۱۳
۳۳۷	تصویر نظیر	homologous image	[مهندسی نقشه‌برداری]	هریک از مجموعه تصاویر برداشته شده از یک شیء واحد از محل‌های مختلف که بر روی دو یا چند عکس هم‌پوشان ظاهر می‌شود	۱۰
۳۳۸	دایره مدرج افقی	horizontal circle	[مهندسی نقشه‌برداری]	دایره مدرجی که برای اندازه‌گیری زاویه افقی در بعضی از دستگاه‌های نقشه‌برداری نظیر زاویه‌یاب، عمود بر محور اصلی دستگاه قرار دارد	۷
۳۳۹	شبه واپایش مسطحاتی	horizontal control network	[مهندسی نقشه‌برداری]	مجموعه‌ای از نقاط با مختصات طولی و عرضی معلوم که برای واپایش عملیات نقشه‌برداری به کار می‌رود	۴
۳۴۰	نقطه واپایش مسطحاتی	horizontal control point	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقطه‌ای با مختصات طولی و عرضی معلوم که برای واپایش عملیات به کار می‌رود	۴
۳۴۱	گذرنقطه مسطحاتی	horizontal pass point	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقطه‌ای در ناحیه پوشش مشترک عکس‌ها که طول و عرض آن معلوم می‌شود	۴
۳۴۲	عارضه آب‌نگاشتی	hydrographic feature	[مهندسی نقشه‌برداری]	عارضه واقع در کرانه به‌نحوی که بخش‌هایی از آن در زیر آب باشد	۷
۳۴۳	برداشت آب‌نگاشتی	hydrographic survey	[مهندسی نقشه‌برداری]	برداشتی که هدف اصلی آن تعیین اطلاعات مربوط به آب‌هاست	۷

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۳۴۴	نقشه برداری آب نگاشتی	hydrographic surveying	[مهندسی نقشه برداری]	شاخه ای از نقشه برداری که موضوع آن اندازه گیری و نقشه سازی بستر و کناره آب هاست	۴
۳۴۵	تصویر ۲	image ۱	[مهندسی نقشه برداری]	نمایشی از یک جسم که با استفاده از پرتوهای الکترومغناطیسی یا نور هندسی ایجاد می شود، به گونه ای که معمولاً میان نقاط نمایش و نقاط منابع پرتو تناظر یک به یک وجود دارد	۲
۳۴۶	دُش نمای تصویر	image aliasing	[مهندسی نقشه برداری]	بدنمایی یا از دست رفتن اطلاعات تصویر بر اثر نمونه برداری ناکافی	۱۲
۳۴۷	تحلیل تصویر	image analysis	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند بررسی یک تصویر برای تشریح یا اندازه گیری یا نقشه سازی یا شمارش یا پایش آنچه بر سطح زمین قرار دارد	۱۰
۳۴۸	گویاسازی تصویر	image annotation	[مهندسی نقشه برداری]	نشانه گذاری و توضیح بخش های مختلف تصویر در اسناد و صفحات وب و پرونده های تصویری بارگذاری شده	۱۲
۳۴۹	آلایه تصویر	image artifact	[مهندسی نقشه برداری]	هرگونه بی نظمی در یک تصویر که بر اثر کارکرد نامناسب سامانه تصویرسازی یا هرگونه چگالی نامطلوب در تصویر رخ دهد	۱۳
۳۵۰	نسبت منطری تصویر	image aspect ratio	[مهندسی نقشه برداری]	نسبت پهنا به بلندی تصویر	۱۴
۳۵۱	میانگین گیری تصویر	image averaging	[مهندسی نقشه برداری]	به دست آوردن میانگین یک رشته از تصاویر	۱۲
۳۵۲	آمیزه سازی تصویر	image blending	[مهندسی نقشه برداری]	تلفیق یا ادغام دو تصویر هم اندازه	۱۲
۳۵۳	واسنجی تصویر	image calibration	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند ایجاد ارتباط بین کمیت های مکانی و پرتوسنجشی و طیفی اندازه گیری شده و مقدار درست متناظر آنها	۱۴
۳۵۴	تصویر گیری	image capture	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند ایجاد یک باز نمود رقمی از تصویر	۱۳
۳۵۵	رده بندی تصویر	image classification	[مهندسی نقشه برداری]	گروه بندی تصاویر دانه ها (pixels) به صورت رشته ها و رده ها برای تولید یک نمایش موضوعی (thematic representation)	۱۰
۳۵۶	فشرده سازی تصویر	image compression	[مهندسی نقشه برداری]	عملیاتی که در آن، ضمن حفظ اطلاعات تصویر، از حجم آن کاسته می شود و حافظه و زمان کمتری صرف ذخیره سازی و انتقال می شود	۱۰
۳۵۷	تباين تصویر	image contrast	[مهندسی نقشه برداری]	نسبت بین انرژی گسیل شده از یک شیء و محیط پیرامون آن	۱۳
۳۵۸	بهسازی تباين تصویر	image contrast enhancement	[مهندسی نقشه برداری]	پردازش تصویر به نحوی که در آن تباين تصویر بهبود یابد	۱۳
۳۵۹	نسبت تباين تصویر	image contrast ratio	[مهندسی نقشه برداری]	نسبت بازتابندگی روشن ترین و تاریک ترین بخش های یک تصویر	۱۳
۳۶۰	گسترش تباين تصویر	image contrast stretching	[مهندسی نقشه برداری]	گسترش دامنه داده های عددی یک تصویر به دامنه بزرگتر با هدف بهسازی تباين تصویر و اجزای آن	۱۳
۳۶۱	تصحیح تصویر	image correction	[مهندسی نقشه برداری]	تصحیح خطاهای هندسی و نوری و مانند آن در یک تصویر	۱۰
۳۶۲		image density → density of image	[مهندسی نقشه برداری]		۱۳
۳۶۳	برش زنی چگالی تصویر	image density slicing	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند تبدیل مایه خاکستری در یک تصویر به تعدادی بازه چگالی یا برش که هریک به یک ناحیه از دامنه خاص عددی تعلق دارد	۱۳
۳۶۴	توصیف تصویر	image description	[مهندسی نقشه برداری]	توصیف بخش های یک تصویر حاصل از بخش بندی (segmentation) به نحوی که برای پردازش بعدی مناسب باشد	۱۲
۳۶۵	آشکاری پذیری تصویر	image detectability	[مهندسی نقشه برداری]	قابلیت تشخیص اشیا در یک تصویر	۱۳
۳۶۶	جهت تصویر	image direction	[مهندسی نقشه برداری]	جهت تصویر نسبت به موقعیت ماده حساس عکس برداری	۱۰

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۳۶۷	پالایه جهت تصویر	image directional filter	[مهندسی نقشهبرداری]	پالایه‌ای ریاضیاتی که برای بارزسازی عوارض خطی جهت‌دار تصویر در یک راستای معین طراحی شده است	۱۳
۳۶۸	جابه‌جایی تصویر	image displacement	[مهندسی نقشهبرداری]	تغییر موقعیت نقاط تصویر به دلیل کجی عکس یا پستی‌وبلندی زمین	۱۰
۳۶۹	نمایش تصویر	image display	[مهندسی نقشهبرداری]	ارائه برون‌داد سامانه پردازش تصویر که از مؤلفه‌های بنیادین مربوط به آن است	۱۳
۳۷۰	واپسش تصویر	image distortion	[مهندسی نقشهبرداری]	تغییر شکل تصویر بر اثر عواملی مانند خطای عدسی یا تابیدگی فیلم یا حرکت دوربین	۱۰
۳۷۱		image division → image ratioing	[مهندسی نقشهبرداری]		۱۳
۳۷۲	تصویراندایی	image draping	[مهندسی نقشهبرداری]	اندایش تصویر بر رویه	۱۲
۳۷۳		image duplicate → image reproduction	[مهندسی نقشهبرداری]		۱۲
۳۷۴	کدگذاری تصویر ۱	image encoding	[مهندسی نقشهبرداری]	تبدیل داده‌های تصویری به یک قالب قابل خواندن به کمک رایانه برای فشرده‌سازی یا انتقال یا ذخیره‌سازی	۱۳
۳۷۵	بهسازی تصویر	image enhancement	[مهندسی نقشهبرداری]	دست‌کاری تصویر برای برجسته‌سازی یا تأکید بر ویژگی‌های آن	۱۰
۳۷۶	قالب تصویر	image format ۱	[مهندسی نقشهبرداری]	ساختار معیار برای سازمان‌دهی و ذخیره‌سازی تصاویر رقمی	۱۳
۳۷۷	قطع تصویر	image format ۲	[مهندسی نقشهبرداری]	اندازه واقعی فیلم منفی یا چارچوب یا بسترهای دیگری که تصویر بر روی آنها تولید می‌شود	۱۳
۳۷۸	شکل‌گیری تصویر	image formation	[مهندسی نقشهبرداری]	تشکیل تصویرهای دوبعدی از اشیای سه‌بعدی به کمک فرایندهای پرتوسنجشی و هندسی	۱۲
۳۷۹	ادغام تصویر	image fusion	[مهندسی نقشهبرداری]	فرایند ترکیب اطلاعات مربوط به دو یا چند تصویر در تصویری واحد	۱۲
۳۸۰	تصحیح هندسی تصویر	image geometric correction	[مهندسی نقشهبرداری]	فرایند دستکاری رقمی تصویر به نحوی که سطح تصویر با یک دستگاه مختصات مرجع خاص تطبیق یابد	۱۴
۳۸۱	نمایه‌سازی تصویر	image indexing	[مهندسی نقشهبرداری]	روشی برای بازیابی یک تصویر از یک مجموعه تصویر	۱۲
۳۸۲	شدت‌افزای تصویر	image intensifier, light amplifier	[مهندسی نقشهبرداری]	هریک از افزاره‌های تقویت‌کننده شدت تصویر نوری	۱۲
۳۸۳	درون‌یابی تصویر	image interpolation ۲	[مهندسی نقشهبرداری]	روشی که با آن می‌توان از تصویردانه‌های (pixels) موجود مقادیری جدید تصویردانه تولید کرد	۱۲
۳۸۴	تفسیر تصویر	image interpretation ۱	[مهندسی نقشهبرداری]	مطالعه تصاویر برای شناسایی و ارزیابی اهمیت عوارض مورد نظر	۱۰
۳۸۵	ناوردای تصویر	image invariant	[مهندسی نقشهبرداری]	آن دسته از خصوصیات تصویر، مانند میزان روشنایی، که با تغییر مؤلفه‌های دوربین تغییر نمی‌کند	۱۳
۳۸۶	بزرگ‌نمایی تصویر	image magnification	[مهندسی نقشهبرداری]	فرایند بزرگ کردن یا افزایش مقیاس ظاهر یک تصویر	۱۳
۳۸۷	دستکاری تصویر	image manipulation	[مهندسی نقشهبرداری]	فرایند تغییر یک تصویر رقمی به کمک نرم‌افزارهای ترسیم	۱۲
۳۸۸	همتایابی تصویری	image matching	[مهندسی نقشهبرداری]	فرایند یافتن نقاط شیئی همتا یا مشترک در دو یا چند تصویر	۱۳
۳۸۹	ریخت‌دهی تصویر	image morphing	[مهندسی نقشهبرداری]	فرایندی ویژه که در طی آن شکل یک تصویر با تغییرات تدریجی و پیوسته به تصویر دیگری بدل می‌شود	۱۳
۳۹۰	پاره‌چین تصویری	image mosaic	[مهندسی نقشهبرداری]	تصویری بزرگ که از جورچینی تصاویر کوچک‌تر ساخته می‌شود	۱۳
۳۹۱	کشیدگی تصویر	image motion	[مهندسی نقشهبرداری]	تار شدن تصویر بر اثر حرکت نسبی دوربین و شیء	۱۰

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۳۹۲	ضرب تصویری	image multiplication	[مهندسی نقشهبرداری]	عملیات پردازش تصویر که در آن تصویری تولید می‌شود که تصویردانه‌های (pixels) آن از ضرب مقادیر تصویردانه‌های هم‌تا در دو تصویر دیگر تولید شده باشد	۱۳
۳۹۳	نوفه تصویر	image noise	[مهندسی نقشهبرداری]	تغییرات تصادفی روشنایی یا اطلاعات مربوط به رنگ که در شیء تصویر شده وجود نداشته باشد	۱۳
۳۹۴	بهنجارش تصویر	image normalization	[مهندسی نقشهبرداری]	فرایند تغییر دامنه مقادیر شدت روشنایی تصویردانه‌ها (pixels)	۱۳
۳۹۵	برهم‌گذاری تصویر	image overlay	[مهندسی نقشهبرداری]	قرار دادن یک تصویر نورگذر یا شفاف بر یک تصویر زمینه	۱۲
۳۹۶	جفت تصویر ۱	image pair	[مهندسی نقشهبرداری]	دو تصویر همپوشان که برای برجسته‌بینی یا اندازه‌گیری سه‌بعدی برداشته شده باشند	۱۳
۳۹۷	نقطه تصویر	image point	[مهندسی نقشهبرداری]	تصویر نقطه‌ای معین از یک شیء	۱۰
۳۹۸	پردازش تصویر	image processing	[مهندسی نقشهبرداری]	مجموع عملیاتی که می‌توان بر روی عکس یا تصویر انجام داد	۱۰
۳۹۹	هرم تصویر	image pyramid	[مهندسی نقشهبرداری]	نوعی بازنمود داده‌های چندمقیاسی که در آن یک تصویر به دفعات تحت هموارسازی و زیرنمونه‌برداری قرار گیرد	۱۳
۴۰۰	چندی‌سازی تصویر	image quantization	[مهندسی نقشهبرداری]	فرایندی که در آن به هر درجه خاکستری از یک تصویر بر مبنای جدول معینی از درجات خاکستری مقداری نسبت داده می‌شود	۱۲
۴۰۱	پُرس‌مان تصویری	image querying	[مهندسی نقشهبرداری]	پرس‌وجو برای یافتن اشیای مرتبط در پایگاه داده تصویری	۱۳
۴۰۲	نسبت‌گیری تصویر	image ratioing, image division	[مهندسی نقشهبرداری]	روشی در فنون پردازش تصویر برای افزایش تباین میان عوارض تصویر که در آن مقادیر عناصر در یک تصویر بر مقادیر متناظر آن در تصویر دوم تقسیم می‌شود	۱۳
۴۰۳	پرتو تصویر	image ray, perspective ray	[مهندسی نقشهبرداری]	خط مستقیمی که نقطه‌ای در فضای شیء یا فضای تصویر را به مرکز تصویر وصل می‌کند	۱۰
۴۰۴	بازشناسی تصویر	image recognition	[مهندسی نقشهبرداری]	شناسایی عوارض یا اشیای موجود در یک تصویر	۱۲
۴۰۵	بازسازی تصویر	image reconstruction	[مهندسی نقشهبرداری]	فرایند ترمیم تصویر از طریق احیای داده‌های از دست‌رفته یا مبهم	۱۲
۴۰۶	ترمیم تصویر	image rectification	[مهندسی نقشهبرداری]	تولید تصویر از تصویری کج یا مایل با رفع کجی آن	۱۲
۴۰۷		image rendering → image-based rendering	[مهندسی نقشهبرداری]		۱۳
۴۰۸	بازنمایی تصویر	image representation	[مهندسی نقشهبرداری]	برنامه‌ای پردازشی که با سبک‌سازی داده‌های تصویر در قالب‌های مناسب، رایانش توصیف‌گرهای تصویر را به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای بهبود می‌بخشد	۱۲
۴۰۹	بازتولید تصویر	image reproduction, image duplicate	[مهندسی نقشهبرداری]	فرایند تولید نسخه‌ای همسان از یک تصویر	۱۲
۴۱۰	بازنمونه‌برداری تصویر	image resampling	[مهندسی نقشهبرداری]	محاسبه مقادیر خاکستری جدید برای تصویردانه‌هایی (pixels) که در مرحله تصحیح هندسی یک تصویر رقمی بر پایه مقادیر موجود در نقاط پیرامونی آن تصویردانه‌ها تولید شده‌اند	۱۲
۴۱۱	چرخش تصویر	image rotation	[مهندسی نقشهبرداری]	نوعی تبدیل تصویری دوبعدی یا سه‌بعدی که تصویر را به گرد یک نقطه مرکزی براساس یک نظم دایره‌ای ویژه می‌چرخاند یا جابه‌جا می‌کند	۱۳
۴۱۲	نمونه‌برداری تصویر	image sampling	[مهندسی نقشهبرداری]	فرایند اندازه‌گیری روشنی یا شدت نور یک تصویر قیاسی پیوسته و تبدیل آن به آرایه‌ای از نقاط رقمی گسسته	۱۲
۴۱۳	مقیاس تصویر	image scale	[مهندسی نقشهبرداری]	نسبت میان یک فاصله در تصویر و فاصله واقعی بر روی زمین	۱۲

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	د ف تر
۴۱۴	بخش‌بندی تصویر	image segmentation	[مهندسی نقشه‌برداری]	تجزیهٔ صحنه‌های تصویر به مناطقی بامعنا	۵
۴۱۵	واضح‌سازی تصویر	image sharpening	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایندی ناحیه‌مبنا که جزئیات تصویر را برجسته می‌کند	۱۲
۴۱۶	اندازهٔ تصویر	image size	[مهندسی نقشه‌برداری]	اندازهٔ طول و عرض تصویر	۱۳
۴۱۷	هموارسازی تصویر	image smoothing	[مهندسی نقشه‌برداری]	جانشین کردن چگالی و/ یا رنگ هر نقطهٔ تصویر با ترکیبی خطی از ویژگی‌هایی مشابه با ویژگی‌های نقاط همسایه	۱۲
۴۱۸	فضای تصویر	image space	[مهندسی نقشه‌برداری]	۱. فضایی دوبعدی که براساس تعداد ستون‌ها و سطرها در یک مجموعه‌دادهٔ شطرنجی مشخص می‌شود ۲. آن بخش از فضا که در آن، پرتو نور تحت تأثیر سامانهٔ نوری قرار می‌گیرد	۱۰
۴۱۹	پایدارسازی تصویر	image stabilization	[مهندسی نقشه‌برداری]	کاهش تاری ناشی از حرکت دوربین در هنگام نوردهی با استفاده از مجموعه‌ای از فنون و روش‌ها	۱۳
۴۲۰	ذخیره‌سازی تصویر	image storage	[مهندسی نقشه‌برداری]	ذخیره کردن تصاویر یا اطلاعات به‌دست‌آمده از تصویربرداری با استفاده از فناوری خاصی	۱۳
۴۲۱	نواری‌شدگی تصویر	image striping	[مهندسی نقشه‌برداری]	کاستی‌ای که در پویشگر خطی و افزاره‌های تصویرسازی رانشی بر اثر پاسخ ناهمسان یک آشکارساز منفرد یا آشکارسازی در میان مجموعه‌ای از آشکارسازها پدید می‌آید	۱۲
۴۲۲	پهنای باریکهٔ تصویربرداری	image swath width/ image swathe width	[مهندسی نقشه‌برداری]	← باریکهٔ تصویربرداری	۱۲
۴۲۳	باریکهٔ تصویربرداری	image swath/ image swathe	[مهندسی نقشه‌برداری]	منطقه یا ناحیه‌ای که در یک بازهٔ زمانی با یک فرستنده پرتودهی یا با آشکارسازی که بر هواپیما یا ماهواره نصب شده است مشاهده می‌شود مت. - پهنای باریکهٔ تصویربرداری image swath width	۱۲
۴۲۴		image swathe → image swath	[مهندسی نقشه‌برداری]		۱۲
۴۲۵	آستانه‌گذاری تصویر	image thresholding	[مهندسی نقشه‌برداری]	روشی برای بخش‌بندی (segmentation) تصویر که در آن برای درجات خاکستری تصویر آستانه‌هایی تعیین می‌کنند	۱۲
۴۲۶	انتقال تصویر	image transfer	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایند جابه‌جا کردن تصویر از یک مکان به مکان دیگر	۱۳
۴۲۷	تبدیل تصویر	image transformation	[مهندسی نقشه‌برداری]	عملی که در طی آن تصویر درون‌داد به تصویر دیگری در بیرون‌داد بدل می‌شود	۱۲
۴۲۸	تاب‌دهی تصویر	image warping	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایند دستکاری رقمی تصویر به‌طوری که شکل‌های موجود در تصویر به‌طرز چشمگیری تغییر کند	۱۲
۴۲۹	نونهایی تصویرمبنا	image-based rendering, image rendering	[مهندسی نقشه‌برداری]	تولید تصویری تازه از یک صحنه با استفاده از تصاویری که پیش‌تر از آن صحنه گرفته شده است	۱۳
۴۳۰	جبران کشیدگی تصویر	image-motion compensation, IMC, forward-motion compensation, FMC	[مهندسی نقشه‌برداری]	بی‌حرکت نگه‌داشتن تصویر در صفحهٔ کانونی دوربین در ضمن حرکت نسبی دوربین و شیء، برای جلوگیری از تارشدگی تصویر	۱۰
۴۳۱	تصویرسازی	imagery	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایند ساخت تصویر	۲
۴۳۲	هندسهٔ تصویربرداری	imaging geometry	[مهندسی نقشه‌برداری]	مقادیری هندسی که کمیت‌های بُعدی تصویر مانند اندازه و مرکز را تعیین می‌کنند	۱۳
۴۳۳	رادار تصویربرداری	imaging radar	[علوم نظامی، مهندسی نقشه‌برداری]	راداری که با پردازش پژواک‌های بازگشتی به آنتن، تصویر سطح زمین یا دریا را می‌سازد	۱۳
۴۳۴		IMC → image- motion compensation	[مهندسی نقشه‌برداری]		۱۰

ردیف	برابرنهاد فارسی	واژه بیگانه	کارگروه	تعریف	دفتر
۴۳۵	نقشه راهنما	index map, key map	[مهندسی نقشهبرداری]	نقشه‌ای که نشان می‌دهد مجموعه اطلاعات مرتبط با هم مانند نقشه‌های مختلف و عکس‌های هوایی و داده‌های آماری و اطلاعات توصیفی زمین در کجا یافت می‌شود	۸
۴۳۶	نشانگر ۱	index mark, measuring mark, half mark, measuring point, index point	[مهندسی نقشهبرداری]	نقطه‌ای واقعی بر روی صحنه عکسی یا در فضای شیئی آن که به‌عنوان نقطه مرجع برای اندازه‌گیری به‌صورت تکی در بعضی وسایل یا به‌صورت جفت در تشکیل نقطه شناور به کار می‌رود	۵
۴۳۷		index point → index mark	[مهندسی نقشهبرداری]		۵
۴۳۸	ترازیابی غیرمستقیم	indirect levelling	[مهندسی نقشهبرداری]	تعیین اختلاف ارتفاع با استفاده از هر روشی غیر از روش ترازیبی مستقیم	۷
۴۳۹	موقعیت‌یابی درونی	indoor positioning	[مهندسی نقشهبرداری]	تعیین موقعیت اشیا یا افراد در داخل ساختمان	۱۵
۴۴۰	تصویرسنجی صنعتی	industrial photogrammetry	[مهندسی نقشهبرداری]	شاخه‌ای از تصویرسنجی که به اندازه‌گیری دقیق و ارزیابی قطعات و سازه‌ها می‌پردازد	۴
۴۴۱	نقشه‌برداری صنعتی	industrial surveying	[مهندسی نقشهبرداری]	شاخه‌ای از نقشه‌برداری که موضوع آن اندازه‌گیری و نقشه‌سازی از بخش‌های محدود زمین است	۴
۴۴۲	تصویر فروسرخ	infrared imagery, IR imagery	[مهندسی نقشهبرداری]	تصویر حاصل از پوششگری که بخشی از طیف کاهنربایی (electromagnetic) را ثبت می‌کند که بین انتهای سرخ طیف مرئی و تابش ریزموج قرار دارد	۱۲
۴۴۳	توجیه درونی	inner orientation, interior orientation	[مهندسی نقشهبرداری]	بازیابی دقیق فاصله کانونی و مختصات نقطه اصلی دوربین و مقادیر تابیدگی‌های شعاعی و مماسی عدسی	۷
۴۴۴	عدد صحیح ابهام	integer ambiguity	[مهندسی نقشهبرداری]	← ابهام	۷
۴۴۵		interior angle → internal angle	[مهندسی نقشهبرداری]		۹
۴۴۶		interior orientation → inner orientation	[مهندسی نقشهبرداری]		۷
۴۴۷		intermediate-scale map → medium-scale map	[مهندسی نقشهبرداری]		۸
۴۴۸	زاویه داخلی	internal angle, interior angle	[مهندسی نقشهبرداری]	زاویه بین اضلاع مجاور در درون یک شکل بسته	۹
۴۴۹		interocular distance → eye base	[مهندسی نقشهبرداری]		۱۰
۴۵۰		interpupillary distance → eye base	[مهندسی نقشهبرداری]		۱۰
۴۵۱		IR imagery → infrared imagery	[مهندسی نقشهبرداری]		۱۲
۴۵۲	پاره‌بندی نامنظم	irregular tessellation	[مهندسی نقشهبرداری]	نوعی پاره‌بندی که در آن هیچ محدودیتی در ترتیب قرار گرفتن چندضلعی‌های متصل به رئوس وجود ندارد	۱۵
۴۵۳		isarithmic map → isoplethic map	[مهندسی نقشهبرداری]		۸
۴۵۴		isarithmic mapping → isoplethic mapping	[مهندسی نقشهبرداری]		۸
۴۵۵	نقشه هم‌انحراف	isogonic map	[مهندسی نقشهبرداری]	نقشه‌ای که در امتداد خطوط آن انحراف مغناطیسی در یک تاریخ مشخص ثابت است	۸
۴۵۶		isopleth mapping → isoplethic mapping	[مهندسی نقشهبرداری]		۸

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۴۵۷	نقشه هم مقدار	isoplethic map, isarithmic map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه‌ای که در آن نقاط هم کمیت به هم وصل شده‌اند	۸
۴۵۸	نقشه سازی هم مقدار	isoplethic mapping, isopleth mapping, isarithmic mapping	[مهندسی نقشه برداری]	تهیه نقشه‌ای که در آن یک کمیت با مقادیر هم ارز در نقشه نشان داده می‌شود	۸
۴۵۹	تصویر هم دما	isotherm image	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری که در آن خطوط تراز، مناطقی با دمای مساوی را به یکدیگر وصل می‌کند	۱۳
۴۶۰	برداشت قضایی	judicial survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که به حکم دادگاه برای رفع اختلاف ملکی انجام می‌شود	۷
۴۶۱		junction closure → junction misclosure	[مهندسی نقشه برداری]		۱۲
۴۶۲	خطای بست پیوندگاه	junction misclosure, junction closure	[مهندسی نقشه برداری]	اختلاف در تعیین موقعیت یا ارتفاع یک پیوندگاه در دو نوبت نقشه برداری متوالی	۱۲
۴۶۳		key map → index map	[مهندسی نقشه برداری]		۸
۴۶۴	سامانه اطلاعات زمین	land information system	[مهندسی نقشه برداری]	سامانه‌ای اطلاعاتی برای ذخیره سازی و به کارگیری و بازیابی اطلاعات مربوط به نقشه برداری ثبتی و کاربری زمین اخت. ساز ۲ LIS	۴
۴۶۵	نقشه برداری زمینی	land surveying	[مهندسی نقشه برداری]	شاخه‌ای از نقشه برداری که موضوع آن اندازه گیری و نقشه سازی قسمتی از زمین است	۴
۴۶۶	نقشه طبقه بندی زمین	land-classification map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه‌ای که در آن انواع خاک و سنگ با سایه یا رنگ خاص نشان داده می‌شود	۸
۴۶۷	نشانگر مکانی	landmark	[مهندسی نقشه برداری]	موقعیت یک شیء برجسته و بارز یا شناخته شده در چشم اندازی مشخص مت. نشانگر	۱۵
۴۶۸	شناسایی نشانگر	landmark identification	[مهندسی نقشه برداری]	شناسایی مکان‌ها یا عارضه‌های جغرافیایی که می‌توان آنها را به عنوان شاخص به کار برد	۱۵
۴۶۹	برداشت بزرگ مقیاس	large scale survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشت آب نگاشتی در مقیاس بزرگ	۷
۴۷۰	نقشه بزرگ مقیاس	large-scale map	[مهندسی نقشه برداری]	عموماً، نقشه‌ای که در مقیاس ۱:۱۰۰۰۰ تا ۱:۵۰۰ تهیه شده باشد	۸
۴۷۱		lateral overlap → sidelap	[مهندسی نقشه برداری]		۱۴
۴۷۲	مقیاس عرضی	latitude scale	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی مقیاس ترسیمی که در آن کناره‌های شرقی و غربی نقشه برحسب درجه و دقیقه تقسیم بندی می‌شود	۸
۴۷۳	تراز ۲	level ۱, spirit level	[مهندسی نقشه برداری]	وسیله‌ای ساده برای مشخص کردن امتداد افقی در یک نقطه	۲
۴۷۴	ترازیاب	level ۲	[مهندسی نقشه برداری]	وسیله‌ای برای تعیین اختلاف ارتفاع، شامل دوربینی که می‌تواند به کمک تراز در حالت افقی قرار گیرد و در حول محور قائم بچرخد	۲
۴۷۵	سطح تراز	level surface ۱	[مهندسی نقشه برداری]	سطحی که در هر نقطه بر امتداد گرانی عمود باشد	۲
۴۷۶	تراز کردن ۲	levelling ۱	[مهندسی نقشه برداری]	عمل قرار دادن یک امتداد، صفحه یا مدل تصویرسنجی در وضعیت افقی	۲
۴۷۷	ترازیابی	levelling ۲	[مهندسی نقشه برداری]	فرایندی برای تعیین فاصله‌های عمودی نسبت به یک سطح مبنا یا تعیین اختلاف ارتفاع	۲
۴۷۸		levelling error of closure → levelling misclosure	[مهندسی نقشه برداری]		۱۲

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۴۷۹	خطای بست ترازبایی	levelling misclosure, error of closure, error of closure in levelling, levelling error of closure, misclosure in levelling	[مهندسی نقشهبرداری]	اختلاف میان دو اندازه گیری از یک نشانه ارتفاعی که از نقشه برداری های مختلف یا در امتداد مسیرهای مختلف یا با اندازه گیری های مستقل به دست آمده باشد	۱۲
۴۸۰		levelling of high precision → precise levelling	[مهندسی نقشهبرداری]		۷
۴۸۱		light amplifier → image intensifier	[مهندسی نقشهبرداری]		۱۲
۴۸۲		line feature → linear feature	[مهندسی نقشهبرداری]		۷
۴۸۳	نقشه خطی	line map	[مهندسی نقشهبرداری]	نقشه ای که در آن برای نمایش عوارض از خطوط استفاده می شود	۵
۴۸۴	خط دید	line of sight, LOS	[علوم جَوّ، مهندسی نقشه برداری، نجوم رصدی و آشکارسازها]	[علوم جَوّ، نجوم رصدی و آشکارسازها] خطی فرضی نشانگر سیر پرتو نور از هدف به چشم [مهندسی نقشه برداری] خطی فرضی بین نشانه واقع بر تارک عدسی و نقطه گرهی عقبی عدسی شیئی دوربین	۷
۴۸۵	ساده سازی خط	line simplification	[مهندسی نقشهبرداری]	کاستن از نقاط تشکیل دهنده خط با حفظ شکل اساسی آن	۵
۴۸۶	برداشت امتدادی	lineal survey	[مهندسی نقشهبرداری]	برداشتی که در یک امتداد مشخص انجام می شود	۷
۴۸۷	عارضه خطی	linear feature, line feature	[مهندسی نقشهبرداری]	عارضه ای مکانی که به صورت یک خط یا مجموعه ای از خطوط نمایش داده می شود	۷
۴۸۸	خطای بست خطی	linear misclosure	[مهندسی نقشهبرداری]	فاصله بین نقطه شروع و نقطه پایان یک پیمایش بسته	۱۲
۴۸۹	عملیات خط در چندضلعی	line-in-polygon operation	[مهندسی نقشهبرداری]	فرایندی که در آن مشخص می شود که چه مقدار از خطوط یک مجموعه داده در داخل چندضلعی های یک مجموعه داده دیگر قرار دارند	۵
۴۹۰	ساز ۲	LIS	[مهندسی نقشهبرداری]	← سامانه اطلاعات زمین	۴
۴۹۱	افق محلی	local horizon	[مهندسی نقشهبرداری]	← افق ظاهری	۹
۴۹۲	خدمات مکان مینا	location based services	[رایانه و فناوری اطلاعات، مهندسی نقشه برداری]	نوعی خدمات در شبکه های بی سیم و همراه بر پایه موقعیت جغرافیایی که با در نظر گرفتن مکان کاربر به او ارائه می شود	۵
۴۹۳	برهم گذاری مکان مینا	location-specific overlay	[مهندسی نقشهبرداری]	تخصیص مقدار به صورت تابعی از انطباق نقطه به نقطه نقشه های موجود	۱۵
۴۹۴	مقیاس لگاریتمی	logarithmic scale	[مهندسی نقشهبرداری]	مقیاسی که بر اساس لگاریتم اعداد هم فاصله پیاپی مدرج شده باشد	۸
۴۹۵	هم پوشانی طولی	longitudinal overlap, forward overlap	[مهندسی نقشهبرداری]	درصد هم پوشانی بین تصاویر پیاپی در جهت خط پرواز	۱۴
۴۹۶	پیمایش بسته	loop traverse, closed traverse	[مهندسی نقشهبرداری]	پیمایشی که از یک ایستگاه شروع و به همان ایستگاه یا ایستگاه هایی که موقعیت نسبی آنها در دیگر نقشه برداری ها تعیین شده است ختم می شود	۵
۴۹۷	عکس کمی مایل	low-oblique photograph	[مهندسی نقشهبرداری]	عکسی که انحراف مرکز آن در جهت طولی و عرضی نسبت به نقطه پاسو حداکثر ۱۰ درجه باشد	۴
۴۹۸	روز قمری	lunar day	[اقیانوس شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	← روز کِشندی	۸

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۴۹۹	ماه کِشَند	lunar tide	[اقبانوس شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	جزئی از کِشَند که فقط بر اثر گرانش ماه ایجاد می شود	۸
۵۰۰	مخزن ۱	magazine	[مهندسی نقشه برداری]	بخشی از دوربین هوایی که فیلم را نگه می دارد و سازوکاری برای حرکت روبه جلوی فیلم دارد	۵
۵۰۱	سمت مغناطیسی	magnetic azimuth	[ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	[ژئوفیزیک] سمت نسبت به شمال مغناطیسی [مهندسی نقشه برداری] زاویه میان صفحه قائم گذرنده از شیء مشاهده شده و صفحه قائم گذرنده از عقربه مغناطیسی آزاد معلق	۸
۵۰۲	سویه مغناطیسی	magnetic bearing	[مهندسی نقشه برداری]	زاویه ای که نسبت به شمال و جنوب مغناطیسی سنجیده می شود و با قید شرقی یا غربی نسبت به نصف النهار بیان می شود	۷
۵۰۳		magnetic chart → magnetic map	[مهندسی نقشه برداری]		۸
۵۰۴	نقشه مغناطیسی	magnetic map, magnetic chart	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی نقشه خاص منظوره که پراکندگی یکی از عناصر مغناطیسی را سده به سده نشان می دهد	۸
۵۰۵	برداشت مغناطیسی	magnetic survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که برای تعیین شدت و جهت میدان مغناطیسی زمین در نقاط مشخصی از سطح زمین انجام می شود	۷
۵۰۶	عارضه مصنوعی	man-made feature, culture ۱, cultural feature	[مهندسی نقشه برداری]	عارضه ای بر روی زمین که به دست انسان ساخته شده است	۷
۵۰۷	نقشه پیش نگاشت	manuscript map	[مهندسی نقشه برداری]	طرح اولیه نقشه که از منابع مختلف مانند برداشت زمینی یا عکس هوایی تألیف و تهیه می شود	۸
۵۰۸	نقشه ۲	map ۱	[مهندسی نقشه برداری]	نمایشی قراردادی از عوارض فیزیکی طبیعی یا مصنوعی سطح زمین معمولاً بر روی سطح مسطح با مقیاس و سمت مشخص	۲
۵۰۹	سرشکنی نقشه	map adjustment	[مهندسی نقشه برداری]	هر تغییر در موقعیت افقی عوارض نقشه برای منطبق کردن آن با نقاط واپایش معین یا انتقال آن به شبکه ای با مقیاس مشخص	۸
۵۱۰	جبر نقشه	map algebra	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی مدل سازی با استفاده از فرایندهای جمع و تقریب و ضرب و تقسیم نقشه ها با بهره گیری از عملگرهای ریاضی برای ترکیب دو یا چند نقشه مت. مدل سازی نقشه نگاشتی cartographic modelling	۷
۵۱۱	دگرشکلی نقشه	map deformation	[مهندسی نقشه برداری]	← واپیش نقشه	۸
۵۱۲	واپیش نقشه	map distortion	[مهندسی نقشه برداری]	تغییر شکل عوارض بر روی بیضوی که بر اثر ترسیم آنها بر روی سطح دوبعدی ایجاد می شود مت. دگرشکلی نقشه map deformation	۸
۵۱۳	ویرایش نقشه	map editing, map edit	[مهندسی نقشه برداری]	اصلاح یا اضافه کردن یا کم کردن نمادها و داده ها و حروف و ارقام و بازنگری کلی در محتوا و شکل نقشه پیش از چاپ	۸
۵۱۴	روی نقشه	map face	[مهندسی نقشه برداری]	سویی از برگ نقشه که نقشه بر روی آن چاپ شده است	۸
۵۱۵	عارضه نقشه	map feature	[مهندسی نقشه برداری]	← عارضه نقشه نگاشتی	۷
۵۱۶	شبکه بندی نقشه	map grid	[مهندسی نقشه برداری]	شبکه ای که برای فراهم کردن یک دستگاه مختصات مناسب بر روی نقشه افکنده می شود	۸
۵۱۷	بازنگری نقشه	map revision	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند ایجاد تغییراتی در نقشه موجود برای افزایش درستی آن	۵
۵۱۸	مقیاس نقشه	map scale	[مهندسی نقشه برداری]	نسبت فاصله میان دو نقطه بر روی نقشه به فاصله همان دو نقطه بر روی زمین	۸
۵۱۹	برگ نقشه	map sheet	[مهندسی نقشه برداری]	یک ورق نقشه از یک رشته نقشه (map series)	۸
۵۲۰	آزمون نقشه	map test	[مهندسی نقشه برداری]	هر شیوه ای که برای آزمودن یا بازبینی درستی نقشه به کار رود	۸

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	د ف تر
۵۲۱	تبدیل نقشه	map transformation	[مهندسی نقشه‌برداری]	روشی محاسباتی برای تبدیل دستگاه مختصات یک تصویر یا نقشه به یک دستگاه مختصات دیگر	۸
۵۲۲	روزآمدسازی نقشه	map updating	[مهندسی نقشه‌برداری]	تکمیل نقشه با استفاده از اطلاعات مفید و به‌روز	۵
۵۲۳	نقشه‌ساز	mapper	[مهندسی نقشه‌برداری]	طراح و تهیه‌کننده نقشه	۲
۵۲۴	نقشه‌سازی ۲	mapping ۱	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایند طراحی و ساخت نقشه	۲
۵۲۵	دوربین نقشه‌سازی	mapping camera	[مهندسی نقشه‌برداری]	دوربینی که برای عکس‌برداری در نقشه‌سازی به کار می‌رود مت. دوربین نقشه‌برداری surveying camera	۸
۵۲۶	عکس‌برداری نقشه‌سازی	mapping photography, cartographic photography	[مهندسی نقشه‌برداری]	عکس‌برداری به منظور نقشه‌سازی	۸
۵۲۷		mark ۱ → survey marker	[مهندسی نقشه‌برداری]		۷
۵۲۸		marker ۱ → survey marker	[مهندسی نقشه‌برداری]		۷
۵۲۹	علامت‌گذار	marksetter	[مهندسی نقشه‌برداری]	شخصی که وظیفه او نصب علامت‌های نقشه‌برداری است	۱۰
۵۳۰	میانگین خیز کِشند	mean rise of tide	[اقیانوس‌شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه‌برداری]	ارتفاع میانگین فراکِشند بالای سطح مینا	۸
۵۳۱		measuring mark → index mark	[مهندسی نقشه‌برداری]		۵
۵۳۲		measuring point → index mark	[مهندسی نقشه‌برداری]		۵
۵۳۳	تصویرسنجی پزشکی	medical photogrammetry	[مهندسی نقشه‌برداری]	شاخه‌ای از تصویرسنجی که به اندازه‌گیری و ارزیابی اندام‌های انسان و عوارض مربوط به آنها می‌پردازد	۴
۵۳۴	نقشه میان‌مقیاس	medium-scale map, intermediate-scale map	[مهندسی نقشه‌برداری]	عموماً، نقشه‌ای که در مقیاس ۱:۱۰۰۰۰ تا ۱:۵۰۰۰۰ تهیه شده باشد	۸
۵۳۵	فاصله نصف‌النهار	meridional distance	[مهندسی نقشه‌برداری]	فاصله اندازه‌گیری‌شده در امتداد نصف‌النهار بر روی بیضوی	۹
۵۳۶	کِشند هواشناختی	meteorological tide	[اقیانوس‌شناسی، علوم جو، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه‌برداری]	تغییر سطح آب بر اثر عوامل هواشناختی مانند فشار جو و باد	۸
۵۳۷	نقشه نظامی	military map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که برای اهداف نظامی تهیه می‌شود	۸
۵۳۸	نقشه‌برداری معدن	mine surveying	[مهندسی نقشه‌برداری]	بخشی از نقشه‌برداری که موضوع آن اندازه‌گیری و نقشه‌سازی از معادن است	۴
۵۳۹	خطای بست سمت	misclosure in azimuth	[مهندسی نقشه‌برداری]	اختلاف میان دو بار اندازه‌گیری مقدار سمت یک خط که با روش‌های مختلف نقشه‌برداری یا در امتداد مسیرهای مختلف به دست آمده باشد	۱۲
۵۴۰		misclosure in levelling → levelling misclosure	[مهندسی نقشه‌برداری]		۱۲
۵۴۱	خطای بست دور افق	misclosure of the horizon	[مهندسی نقشه‌برداری]	اختلاف مجموع یک رشته زاویه افقی بین خط‌های مجاور در یک دور کامل افق، با ۳۶۰ درجه	۱۲

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۵۴۲		misclosure of traverse → error of closure of traverse	[مهندسی نقشه برداری]		۵
۵۴۳	خطای بست مثلث	misclosure of triangle	[مهندسی نقشه برداری]	اختلاف مجموع سه زاویه اندازه گیری شده یک مثلث با مجموع ۱۸۰ درجه و اضافه کُرِویت مثلث	۱۲
۵۴۴	موقعیت یابی پابانه محور	mobile terminal-centric, terminal-centric positioning	[مهندسی نقشه برداری]	← موقعیت یابی کاربر محور	۱۵
۵۴۵		mosaic ۲ → photomosaic	[مهندسی نقشه برداری]		۴
۵۴۶	نوار پاره چین	mosaic strip	[مهندسی نقشه برداری]	نواری که شامل پاره چین عکسی است	۴
۵۴۷	پاره چین سازی	mosaicking	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند تولید پاره چین عکسی	۴
۵۴۸		multi-look image → multi-look imagery	[مهندسی نقشه برداری]		۱۲
۵۴۹	تصویر چندنگاهی	multi-look imagery/ multi-look image	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری که از برآیند چند تصویر گرفته شده در بازه های مختلف تولید می شود	۱۲
۵۵۰	حدنگاری چندمنظوره	multipurpose cadastre	[عمومی، مهندسی نقشه برداری]	نوعی حدنگاری که دربردارنده یک شبکه زمین سنجشی (geodetic) شامل چهار مؤلفه است: الف) رشته های از نقشه های روزآمد و درست و بزرگ مقیاس؛ ب) نقشه حاصل از تطبیق همه قطعات ملکی؛ ج) شناسه ای یگانه برای هر قطعه؛ د) مجموعه ای از پرونده های مربوط به داده های زمین	۷
۵۵۱	تصویر چندطیفی	multi-spectral imagery	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری که مؤلفه های آن در یک زمان در طول موج های طیفی مختلف گرفته می شود	۱۲
۵۵۲	تصویر چندزمانی	multi-temporal imagery	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری که مؤلفه های آن در یک طول موج طیفی در زمان های مختلف گرفته می شود	۱۲
۵۵۳	عدسی زاویه بسته	narrow-angle lens	[مهندسی نقشه برداری]	عدسی دوربینی که میدان دید زاویه ای آن کمتر از ۶۰ درجه باشد	۲
۵۵۴	نقشه بومی	native map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه یک منطقه که کشوری دیگر از طریق نهادهای دولتی یا خصوصی خود تهیه می کند	۸
۵۵۵	عارضه طبیعی	natural feature	[مهندسی نقشه برداری]	عارضه ای که ساخته دست انسان نیست	۷
۵۵۶	مقیاس طبیعی	natural scale	[مهندسی نقشه برداری]	← مقیاس عددی	۸
۵۵۷	نقشه دریانوردی	nautical chart	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه ای که برای نمایش نیازهای ناوبری تهیه شود	۲
۵۵۸	عملیات همسایگی	neighbors operation	[مهندسی نقشه برداری]	تولید یک نقشه جدید بر پایه مقادیر همسایگی موقعیت هدف	۱۵
۵۵۹	موقعیت یابی شبکه محور	network-centric positioning	[مهندسی نقشه برداری]	تعیین مکان با محور قرار دادن شبکه	۱۵
۵۶۰	مقیاس اسمی	nominal scale	[مهندسی نقشه برداری]	← مقیاس اصلی	۸
۵۶۱		normal height → orthometric elevation	[مهندسی نقشه برداری]		۵
۵۶۲	عدسی زاویه معمولی	normal-angle lens	[مهندسی نقشه برداری]	عدسی دوربینی که میدان دید زاویه ای آن بین ۶۰ تا ۷۵ درجه باشد	۲
۵۶۳	مقیاس عددی	numerical scale	[مهندسی نقشه برداری]	نسبت ابعاد خطی نقشه به ابعاد خطی واقعی بیان شده	۸

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
	مت.			مت. مقیاس طبیعی fractional scale مقیاس کسری	
۵۶۴	عکس مایل	oblique photograph	[مهندسی نقشه‌برداری]	عکسی که در هنگام تهیه آن، محور دوربین بیش از ۵ درجه از امتداد قائم انحراف داشته باشد	۲
۵۶۵	نقشه رسمی	official map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که حریم معابر یا دیگر زمین‌های شهری را در حال و آینده نشان می‌دهد و مراجع دولتی و قضایی آن را به رسمیت می‌شناسند	۸
۵۶۶		open traverse → open-end traverse	[مهندسی نقشه‌برداری]		۵
۵۶۷	پیمایش باز	open-end traverse, open traverse	[مهندسی نقشه‌برداری]	پیمایشی که از یک نقطه معلوم شروع می‌شود، ولی به همان نقطه ختم نمی‌شود	۵
۵۶۸	شاقول نوری	optical plummet	[مهندسی نقشه‌برداری]	دوربینی کوچک با خم نود درجه در ساختمان دستگاه نقشه‌برداری که به کمک آن کاربر می‌تواند محور اصلی دستگاه را در امتداد قائم نقطه ایستگاه قرار دهد	۵
۵۶۹	فرازای مداری	orbital altitude	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرازای متوسط یک ماهواره از سطح زمین	۷
۵۷۰	توجیه ۳	orientation ۲	[مهندسی نقشه‌برداری]	قرار دادن عکس یا نقشه یا مدل به صورتی که همه امتدادها با امتدادهای نظیر شیء یا موضع مورد نظر موازی باشد	۷
۵۷۱	راست‌تصویر	orthoimage	[مهندسی نقشه‌برداری]	تصویری که از یک تصویر مرکزی متداول با ترمیم ساده یا جزء‌به‌جزء آن به دست می‌آید، به طوری که جابه‌جایی‌های ناشی از کجی سنجنده و ناهمواری زمین در آن زدوده شده باشد	۱۳
۵۷۲	ارتفاع قائم	orthometric elevation, orthometric height, normal height	[مهندسی نقشه‌برداری]	فاصله هندسی بین زمینوار و نقطه‌ای در امتداد خط شاقولی که از آن نقطه می‌گذرد	۵
۵۷۳		orthometric height → orthometric elevation	[مهندسی نقشه‌برداری]		۵
۵۷۴	پاره‌چین راست‌عکس	orthophoto mosaic	[مهندسی نقشه‌برداری]	پاره‌چینی که از کنار هم چیدن راست‌عکس‌ها تولید می‌شود	۴
۵۷۵	نقشه راست‌عکس	orthophotomap	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که از کنار هم قرار دادن تعدادی راست‌عکس به صورت تصویر مرکب واحد تهیه می‌شود	۴
۵۷۶	موقعیت‌یابی بیرونی	outdoor positioning	[مهندسی نقشه‌برداری]	تعیین مکان اشیا یا افراد در محیط بیرون	۱۵
۵۷۷	توجیه بیرونی	outer orientation, exterior orientation	[مهندسی نقشه‌برداری]	بازیابی موقعیت و جهت دوربین در لحظه عکس‌برداری	۷
۵۷۸	برون‌نهاد	outlier ۱	[مهندسی نقشه‌برداری]	مقداری از کمیت اتفاقی که بیرون از حد آستانه معینی قرار گیرد	۲
۵۷۹		panelling → targeting	[مهندسی نقشه‌برداری]		۱۰
۵۸۰	عکس سراسرنما	panoramic photograph	[مهندسی نقشه‌برداری]	زنجیره‌ای از عکس‌های به هم پیوسته	۲
۵۸۱	سامانه اطلاعات مکانی مشارکتی	participatory GIS	[مهندسی نقشه‌برداری]	سامانه‌ای متشکل از مجموعه فناوری‌های اطلاعات مکانی و سامانه موقعیت‌یابی جهانی و نرم‌افزار سنجش از دور و دسترسی آزاد به داده‌های مکانی و تصاویر مت. سام مشارکتی PGIS	۱۵
۵۸۲	مقیاس ویژه	particular scale	[مهندسی نقشه‌برداری]	نسبت یک فاصله بسیار کوتاه بر روی نقشه در هر نقطه و در هر جهت به طول بیضوی که در تهیه نقشه از آن استفاده شده است مت. مقیاس نسبی relative scale	۸
۵۸۳	گذرنقطه	pass point	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقطه‌ای که موقعیت افقی یا عمودی آن با روش‌های تصویرسنجی تعیین شده است و برای توجیه مطلق عکس‌ها به کار می‌رود	۴
۵۸۴	شیء منفعل	passive object	[مهندسی نقشه‌برداری]	شیئی که فقط به محرک خارجی واکنش نشان می‌دهد و به تنهایی نمی‌تواند عملکردی را آغاز کند	۵

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	د ف تر
۵۸۵	مسیریابی	pathfinding	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایند محاسبه مسیر بهینه میان یک مبدأ و یک نقطه یا نقاط مقصد در یک شبکه	۱۵
۵۸۶		perspective ray → image ray	[مهندسی نقشه‌برداری]		۱۰
۵۸۷	رایانه‌ای سازی فراگیر	pervasive computing	[مهندسی نقشه‌برداری]	استفاده گسترده از فناوری‌های رایانه‌ای با قرار دادن ریزپردازنده‌ها بر روی همه اشیاء	۹
۵۸۸	سام مشارکتی	PGIS	[مهندسی نقشه‌برداری]	← سامانه اطلاعات مکانی مشارکتی	۱۵
۵۸۹		photo → photograph	[مهندسی نقشه‌برداری]		۲
۵۹۰	خط مبنای عکسی	photo base, photographic base length	[مهندسی نقشه‌برداری]	خط مبنای هوایی، آن‌طور که بر روی یک عکس یا یک جفت عکس ظاهر می‌شود مت. طول پایه عکسی	۱۰
۵۹۱	نقطه واپایش عکسی	photo control point, photogrammetric control point	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقطه قابل تشخیص با مختصات معلوم که برای تعیین مقیاس و توجیه مطلق عکس به کار می‌رود	۴
۵۹۲		photo index → photographic index map	[مهندسی نقشه‌برداری]		۸
۵۹۳		photo index map → photographic index map	[مهندسی نقشه‌برداری]		۸
۵۹۴	دوربین تصویرسنجی	photogrammetric camera	[مهندسی نقشه‌برداری]	دوربینی که برای تصویرسنجی به کار می‌رود	۸
۵۹۵		photogrammetric control point → photo control point	[مهندسی نقشه‌برداری]		۴
۵۹۶	نقشه تصویرسنجشی	photogrammetric map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه عارضه‌نگاشتی که با تصویرسنجی و استفاده از عکس‌های هوایی و نقاط واپایش زمینی تهیه می‌شود مت. نقشه تصویرسنجی	۸
۵۹۷	نقشه‌سازی تصویرسنجشی	photogrammetric mapping	[مهندسی نقشه‌برداری]	نوعی نقشه‌سازی که در آن منبع اصلی داده‌ها عکس است مت. نقشه‌سازی تصویرسنجی	۸
۵۹۸		photogrammetric plotter → stereoplotter	[مهندسی نقشه‌برداری]		۴
۵۹۹		photogrammetric plotting instrument → srereoplotter	[مهندسی نقشه‌برداری]		۴
۶۰۰	برداشت تصویرسنجشی	photogrammetric survey	[مهندسی نقشه‌برداری]	برداشتی که از طریق تصویرسنجی انجام می‌شود مت. برداشت تصویرسنجی	۷
۶۰۱	تصویرسنج	photogrammetrist	[مهندسی نقشه‌برداری]	کارشناس و متخصص امور تصویرسنجی	۴
۶۰۲	تصویرسنجی	photogrammetry	[مهندسی نقشه‌برداری]	دانش و فناوری استخراج اطلاعات مربوط به زمین و محیط پیرامون آن از تصاویر گرفته‌شده یا حسگرهای دیگر از طریق اندازه‌گیری و پردازش و تحلیل و نمایش آنها	۴
۶۰۳	عکس ۲	photograph, photo	[مهندسی نقشه‌برداری]	نمایشی از اشیاء که بر اثر تابش امواج الکترومغناطیسی بر لایه حساسی مثل برومور نقره حاصل شود	۲
۶۰۴	عکسی	photographic	[مهندسی نقشه‌برداری]	مربوط به عکس	۲
۶۰۵		photographic base length → photo base	[مهندسی نقشه‌برداری]		۱۰
۶۰۶	تصویر عکسی	photographic image	[مهندسی نقشه‌برداری]	تصویر تشکیل شده بر روی عکس	۱۰

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۶۰۷	نقشه راهنمای عکسی	photographic index map, photo index map, photo index	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه راهنمایی که سطح پوشش داده شده در هر عکس را با یک مجموعه عکس از آن منطقه نشان می دهد	۸
۶۰۸		photographic mosaic → photomosaic	[مهندسی نقشه برداری]		۴
۶۰۹	برداشت عکسی	photographic survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که با استفاده از عکس های هوایی یا زمینی انجام می شود	۷
۶۱۰	عکس برداری	photography	[مهندسی نقشه برداری]	تهیه عکس که با تابش امواج الکترومغناطیسی بر لایه حساسی مانند برومور نقره انجام می شود	۲
۶۱۱	نقشه عکسی	photomap	[مهندسی نقشه برداری]	عکس هوایی یا پاره چین واپایش شده از عکس های ترمیمی که شبکه مرجع، مقیاس ها، اسامی مکان ها، اطلاعات حاشیه ای و سایر اطلاعات و علائم لازم به آن اضافه شده است	۴
۶۱۲	پاره چین عکسی	photomosaic, photographic mosaic, mosaic ۲	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری یکپارچه که از کنار هم چیدن عکس های یک منطقه به دست می آید	۴
۶۱۳	نقشه عکس بازنگریسته	photo-revised map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه عارضه نگاشتی یا مسطحاتی که با روش های تصویرسنجشی بازنگری شده است	۸
۶۱۴	نقشه طبیعی	physical map ۱	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه ای که در آن سطح زمین و کف اقیانوس ها و برجستگی ها، و نیز پدیده های طبیعی مانند جریان های اقیانوسی و باتلاق ها و کویرها نشان داده می شود	۸
۶۱۵	نقشه طبیعی مصور	physiographic pictorial map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه ای که در آن عوارض با استفاده از نظام مند از مجموعه ای استاندارد شامل علائم و نگاره های قراردادی و براساس تصویر ساده شده آن عوارض نشان داده می شود	۸
۶۱۶	نگاره ای	pictorial	[مهندسی نقشه برداری]	مربوط به نگاره	۲
۶۱۷	نگاره ۳	picture	[مهندسی نقشه برداری]	نقشی از یک جسم که با ترسیم یا نقاشی یا عکاسی بر یک رویه معمولاً مسطح حاصل شود	۲
۶۱۸	زاویه مسطح	plane angle	[مهندسی نقشه برداری]	شکلی که از تقاطع دو نیم خط پایان یافته در نقطه تقاطع به دست می آید	۹
۶۱۹	تخته سه پایه	plane table/ planetable	[مهندسی نقشه برداری]	تخته رسمی که همراه با یک راستایاب برای برداشت های نقشه برداری بر یک سه پایه استوار می شود	۷
۶۲۰		planetable → plane table	[مهندسی نقشه برداری]		۷
۶۲۱		planetable → plane table	[مهندسی نقشه برداری]		۷
۶۲۲	برداشت تخته سه پایه ای	planetable survey	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی برداشت عارضه نگاشتی که در آن از تخته سه پایه و راستایاب استفاده می شود	۷
۶۲۳		plane-table survey → planetable survey	[مهندسی نقشه برداری]		۷
۶۲۴	پیمایش تخته سه پایه ای	planetable traverse	[مهندسی نقشه برداری]	پیمایشی که در آن برای تعیین زوایا و راستاها از تخته سه پایه استفاده می شود	۹
۶۲۵	نقشه پایه مسطحاتی	planimetric base map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه ای که برای تهیه نقشه عارضه نگاری به کار می رود	۴
۶۲۶	نقشه مسطحاتی	planimetric map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه ای که در آن تنها موقعیت مسطحاتی عوارض نمایش داده می شود	۵
۶۲۷	تراز صفحه ای	plate level	[مهندسی نقشه برداری]	ترازی که بر روی صفحه تکیه گاه دستگاه نقشه برداری نصب می شود و برای تراز کردن دستگاه یا قائم قرار دادن محور آن به کار می رود	۷
۶۲۸	نُت	POI	[مهندسی نقشه برداری]	← نقطه توجه	۱۵
۶۲۹	عارضه نقطه ای	point feature	[مهندسی نقشه برداری]	عارضه ای که نشان دهنده یک موقعیت منفرد است	۷

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	د ف تر
۶۳۰	نقطه توجه	point of interest	[مهندسی نقشه برداری]	چیزی در یک مکان که از جنبه‌ای خاص مورد توجه شخصی قرار گرفته باشد اخت. نُت POI	۱۵
۶۳۱	عملیات نقطه در چند ضلعی	point-in-polygon operation	[مهندسی نقشه برداری]	عملیات برهم‌نهی که در آن مشخص می‌شود چه نقاطی از یک مجموعه داده در داخل چند ضلعی‌های مجموعه داده دیگر قرار دارد	۵
۶۳۲	فاصله قطبی	polar distance, co-declination	[مهندسی نقشه برداری]	فاصله زاویه‌ای از قطب آسمان که متمم زاویه میل است	۹
۶۳۳	تصویر قطبش‌سنجشی	polarimetric image	[مهندسی نقشه برداری]	بازنمود مبتنی بر اندازه‌گیری قطبش امواج رادیویی یا نوری	۱۳
۶۳۴	میلۀ نقشه برداری	pole ۲, ranging pole	[مهندسی نقشه برداری]	میل‌های ساده، معمولاً به طول دو متر، که از آن برای تعیین امتداد استفاده می‌کنند مت. ۲ میلۀ	۲
۶۳۵	چند ضلعی‌بندی	polygonization	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند انجام پیمایش مت. پیمایش ۳ traversing	۱۰
۶۳۶	برداشت چند ضلعی‌سنجشی	polygonometric survey	[مهندسی نقشه برداری]	← پیمایش زاویه‌ای	۱۰
۶۳۷		polyhedral map → polyhedric map	[مهندسی نقشه برداری]		۸
۶۳۸	نقشه چندوجهی	polyhedric map, polyhedral map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه زمین یا یک جسم کروی بر سطح یک چندوجهی بسته	۸
۶۳۹	چند خطی	polyline	[مهندسی نقشه برداری]	خطی متشکل از چندین پاره‌خط که معمولاً از آن در نقشه‌نگاری رقمی استفاده می‌شود	۵
۶۴۰	سام همگانی	PPGIS	[مهندسی نقشه برداری]	← سامانه اطلاعات مکانی مشارکت همگانی	۱۵
۶۴۱	دقیق	precise	[مهندسی نقشه برداری]	ویژگی روش یا دستگاهی که بتواند نتایجی ارائه دهد که در صورت تکرار عمل، تغییر اندکی داشته باشد	۲
۶۴۲	ترازیابی دقیق	precise levelling, levelling of high precision	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی ترازیابی که با دقت و سرشکنی مکرر و واسنجی تجهیزات انجام می‌شود مت. ترازیابی درجه یک first-order levelling	۷
۶۴۳	پیمایش دقیق	precise traverse	[مهندسی نقشه برداری]	اصطلاحی که پیش از مه ۱۹۲۵ در برخی نهادهای نقشه‌برداری ایالات متحده برای رده‌ای از پیمایش‌ها به کار می‌رفت که تقریباً برابر است با رده پیمایش‌های درجه دو از طبقه II مطابق با طبقه‌بندی ۱۹۷۴	۱۰
۶۴۴	دقت	precision	[مهندسی نقشه برداری]	معیاری برای نشان دادن میزان نزدیکی مشاهدات یک کمیت به کمیت دیگر	۲
۶۴۵	برداشت مقدماتی	preliminary survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که هدف از آن جمع‌آوری داده‌های لازم برای شناسایی طرح پیشنهادی است مت. برداشت شناسایی reconnaissance survey	۷
۶۴۶		primary survey → first-order survey	[مهندسی نقشه برداری]		۷
۶۴۷	خط اصلی ۲	principal line	[مهندسی نقشه برداری]	خطی که از نقطه اصلی عکس و نقطه پاسوی (nadir point) آن عبور می‌کند	۷
۶۴۸	مقیاس اصلی	principal scale	[مهندسی نقشه برداری]	مقیاس کره ساده‌شده‌ای برای توصیف بیضوی زمین که معادل نسبت شعاع‌های آن دو به یکدیگر است مت. مقیاس اسمی nominal scale	۸
۶۴۹	مجاورت	proximity	[مهندسی نقشه برداری]	شاخصی که فاصله بین همه نقاط در پیرامون یک نقطه را مشخص می‌کند	۱۵

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	د ف تر
۶۵۰	عملیات مجاورت	proximity operation	[مهندسی نقشه برداری]	← عملیات فاصله بندی	۱۵
۶۵۱	شبه فاصله	pseudorange	[مهندسی نقشه برداری]	فاصله واقعی به علاوه یا منهای مقدار اندکی فاصله جبرانی برای اصلاح خطای زمان سنجی گیرنده	۷
۶۵۲	شبه فاصله یابی	pseudoranging	[مهندسی نقشه برداری]	اندازه گیری شبه فاصله	۷
۶۵۳	سامانه اطلاعات مکانی مشارکت همگانی	public participation GIS	[مهندسی نقشه برداری]	سامانه ای دارای اطلاعات مکانی و نقشه سازی در سطح محلی برای تولید دانش توسط گروه های محلی و غیر دولتی مت. سام همگانی PPGIS	۱۵
۶۵۴		R ^۲ V → raster to vector conversion	[مهندسی نقشه برداری]		۵
۶۵۵	ضریب پس پراکندگی رادار	radar backscatter coefficient	[مهندسی نقشه برداری]	مقیاسی کمی برای نشان دادن شدت انرژی بازگشتی از سطح زمین به سمت آنتن رادار	۱۴
۶۵۶	پس پراکنه	radar backscatter, backscatter	[مهندسی نقشه برداری]	بخشی از انرژی ریز موج که سطح زمین آن را به سمت آنتن برمی گرداند مت. پس پراکنه رادار	۱۴
۶۵۷	باریکه رادار	radar beam	[مهندسی نقشه برداری]	تپ / پالس تمرکز یافته انرژی راداری	۱۴
۶۵۸	سویه راداری	radar bearing	[مهندسی نقشه برداری]	سویه اندازه گیری شده با رادار	۹
۶۵۹	برد دور رادار	radar far range	[مهندسی نقشه برداری]	دورترین قسمت تصویر رادار از خط پرواز هواگرد یا فضاپیما	۱۴
۶۶۰	کوتاه نمایی رادار	radar foreshortening	[مهندسی نقشه برداری]	نوع خاصی از واپیچش تصویر که در آن شیب زمینی که به سمت تابش رادار پهلونگر است، نسبت به حالت افقی آن با طولی فشرده تر تصویر سازی می شود مت. پیش کوتاه نمایی رادار	۱۴
۶۶۱	برد زمینی رادار	radar ground range	[مهندسی نقشه برداری]	در تصویر راداری، فاصله پای رادار تا شیء	۱۴
۶۶۲	سویه رادیویی	radio bearing	[مهندسی نقشه برداری]	زاویه اندازه گیری شده بین امتداد ظاهری مرجع ارسال موج الکترومغناطیسی و امتداد مرجع	۹
۶۶۳	خطای تصادفی	random error, accidental error	[مهندسی نقشه برداری]	خطایی که منشأ نامشخص داشته باشد و تأثیر آن بر تک تک اندازه گیری ها تابع قانون خاصی نباشد	۲
۶۶۴	دیدرس ۱	range of visibility	[مهندسی نقشه برداری]	دورترین فاصله ای که چشم انسان قادر به دیدن است	۹
۶۶۵	آهنگ تغییر فاصله	range rate	[مهندسی نقشه برداری]	میزان تغییر فاصله اندازه گیری شده در واحد زمان	۹
۶۶۶		ranging pole → pole _۲	[مهندسی نقشه برداری]		۲
۶۶۷	داده شطرنجی	raster data	[مهندسی نقشه برداری]	داده هایی با ساختار شبکه ای خانگی مرکب از شبکه های سطری و ستونی	۵
۶۶۸	مدل داده شطرنجی	raster data model	[مهندسی نقشه برداری]	بیان انتزاعی از جهان واقع که در آن موقعیت داده ها به صورت خانک ارائه می شود	۵
۶۶۹		raster image → digital image	[مهندسی نقشه برداری]		۱۳
۶۷۰	تبدیل شطرنجی به برداری	raster to vector conversion, R ^۲ V, RtoV	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند تبدیل تصویری متشکل از خانه های شطرنجی به تصویری با داده های برداری	۵

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۶۷۱		rasterisation → rasterization	[مهندسی نقشه برداری]		۵
۶۷۲	شطرنجی سازی	rasterization/ rasterisation	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند تبدیل داده های بُرداری به داده های شطرنجی	۵
۶۷۳	تصویر نسبتی	ratio image	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری که با پردازش داده های رقمی چندطیفی تهیه می شود و در آن مقدار هر عنصر در تصویر حاصل عبارت است از تقسیم مقدار آن در یک باند بر مقدارش در باند دیگر	۱۳
۶۷۴	سویه متقابل	reciprocal bearing	[مهندسی نقشه برداری]	سویه ای که ۱۸۰ درجه با یک سویه معین تفاوت دارد	۹
۶۷۵	عملیات بازرده بندی	reclassify operation	[مهندسی نقشه برداری]	تخصیص دوباره مقادیر به یک نقشه موجود به عنوان تابعی از مقدار یا موقعیت یا اندازه یا شکل یا همجواری اولیه پیکربندی های مکانی که با یک رده از نقشه همراه است	۱۵
۶۷۶	نقشه شناسایی	reconnaissance map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه ای که در آن اطلاعات به دست آمده از برداشت شناسایی و داده های به دست آمده از دیگر منابع یکجا عرضه می شود	۸
۶۷۷	برداشت شناسایی	reconnaissance survey	[مهندسی نقشه برداری]	← برداشت مقدماتی	۷
۶۷۸	بازتابگر	reflector ۱	[مهندسی نقشه برداری]	در فاصله یابی الکترونیکی، سطح یا ترکیبی از سطوح که پرتو رسیده را در همان جهت به فرستنده بازگرداند مت. بازتابنده	۲
۶۷۹	منطقه توجه	region of interest	[مهندسی نقشه برداری]	زیرمجموعه ای انتخاب شده از نمونه های موجود در یک مجموعه داده که با هدف خاصی در نظر گرفته شده باشد اخت. مت ROI	۱۵
۶۸۰	برهم گذاری منطقه مینا	region-wide overlay	[مهندسی نقشه برداری]	← برهم گذاری رسته مینا	۱۵
۶۸۱	پاره بندی منظم	regular tessellation	[مهندسی نقشه برداری]	پاره بندی بسیار متقارن متشکل از چندضلعی های همانند منتظم	۱۵
۶۸۲	همتایابی رابطه ای	relational image matching	[مهندسی نقشه برداری]	همتایابی بر مبنای سنجش ارتباط های موجود میان ساختارهای تصاویر	۱۳
۶۸۳	خطای بست نسبی	relative misclosure	[مهندسی نقشه برداری]	مقداری که از تقسیم خطای بست پیمایش بر طول پیمایش به دست می آید و عموماً به صورت کسری از عدد یک بیان می شود	۱۲
۶۸۴	توجیه نسبی	relative orientation	[مهندسی نقشه برداری]	قرار دادن یک جفت عکس هم پوش در موقعیت و وضعیت صحیح نسبت به یکدیگر	۷
۶۸۵	مقیاس نسبی	relative scale	[مهندسی نقشه برداری]	← مقیاس ویژه	۸
۶۸۶	جابجایی ارتفاعی	relief displacement	[مهندسی نقشه برداری]	انحراف نقطه تصویری از نقطه اصلی در هنگامی که نقطه شیئی به موازات محور اپتیکی حرکت داده می شود	۵
۶۸۷	نقشه برجسته	relief map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه ای که پستی و بلندی های یک ناحیه را با برآمدگی و فرورفتگی نسبی سطح نقشه منعکس می کند	۸
۶۸۸	دور کاوی	remote sensing	[مهندسی نقشه برداری]	جمع آوری و پردازش و به کارگیری اطلاعات کمی و کیفی از جسم بدون تماس با آن از راه دور مت. سنجش از دور	۲
۶۸۹	دور کاویده	remotely sensed	[مهندسی نقشه برداری]	ویژگی اطلاعاتی که به روش دور کاوی به دست آمده باشد	۲
۶۹۰	عملیات باز شماره بندی	renumber operation	[مهندسی نقشه برداری]	عملیات تخصیص مقادیر جدید به رده های یک نقشه	۱۵
۶۹۱		restitution → stereoplotting	[مهندسی نقشه برداری]		۴
۶۹۲		restitutive instrument → stereoplotter	[مهندسی نقشه برداری]		۴

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۶۹۳	باز برداشت ۱	resurvey	[مهندسی نقشه برداری]	ردیابی خطوط آخرین برداشت در محل به نحوی که همه نقاط یافته شده پیشین تثبیت شوند و به عنوان نقاط واپایش مورد استفاده قرار گیرند	۷
۶۹۴	سمت وارون	reverse azimuth, back azimuth	[مهندسی نقشه برداری]	سمتی که با یک سمت معین به اندازه ۱۸۰ درجه به علاوه میزان همگرایی نصف النهاری تفاوت دارد	۹
۶۹۵	سویه وارون	reverse bearing	[مهندسی نقشه برداری]	سویه اندازه گیری شده با قطب نمای مغناطیسی که در جهت عکس سویه نقطه مورد نظر قرار دارد	۹
۶۹۶	کد بندی مکانی وارون	reverse geocoding	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند یافتن یک مکان متنی مشخص مانند نشانی خیابان از روی مختصات جغرافیایی	۱۵
۶۹۷	برداشت بازنگری	revisory survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که هدف از آن بازنگری و به روز کردن نقشه است	۷
۶۹۸	خیز کشند	rise of tide, tidal rise	[اقیانوس شناسی، علوم جو، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	فاصله عمودی از سطح مبنای کشندی تا سطح بالاتر آب	۸
۶۹۹	مَت	ROI	[مهندسی نقشه برداری]	← منطقه توجه	۱۵
۷۰۰	نقشه برداری مسیر	route surveying	[مهندسی نقشه برداری]	شاخه ای از نقشه برداری که موضوع آن اندازه گیری و نقشه سازی و پیاده سازی مسیر راه است	۴
۷۰۱		RtoV → raster to vector conversion	[مهندسی نقشه برداری]		۵
۷۰۲	برداشت روستایی	rural survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که از زمین های غیر مسکونی، مانند مزارع و اراضی خارج از شهر انجام می شود	۷
۷۰۳	ژرفاسنجی ماهواره ای	satellite bathymetry	[مهندسی نقشه برداری]	تعیین عمق آب نسبت به سطح تراز دریا با استفاده از ماهواره	۱۴
۷۰۴		satellite photogrammetry → space photogrammetry	[مهندسی نقشه برداری]		۴
۷۰۵	نقشه برداری ماهواره ای	satellite surveying	[مهندسی نقشه برداری]	شاخه ای از نقشه برداری که موضوع آن اندازه گیری و نقشه سازی به کمک اطلاعات ماهواره ای است	۴
۷۰۶	مقیاس	scale , échelle ۲ (fr.)	[عمومی، مهندسی نقشه برداری]	[عمومی] رابطه میان اندازه واقعی چیزی با اندازه نقشه و نمودار آن [مهندسی نقشه برداری] نسبت یک فاصله مشخص بر روی عکس یا نقشه به فاصله متناظر آن بر روی زمین	۱
۷۰۷	وارسی مقیاس	scale checking	[مهندسی نقشه برداری]	تعیین مقیاس عکس هوایی یا به عبارت دقیق تر تعیین ارتفاع عکس برداری از سطح دریا به نحوی که بهترین برازش (fit) را با عکس داشته باشد	۹
۷۰۸	خطای مقیاس	scale error	[مهندسی نقشه برداری]	خطای نظام مند در فاصله نقشه برداری شده که متناسب با فاصله است	۹
۷۰۹	ضریب مقیاس	scale factor	[مهندسی نقشه برداری]	عددی که اگر در فاصله به دست آمده از نقشه از طریق اندازه گیری یا محاسبه ضرب شود، فاصله واقعی بر روی سطح مبنای نقشه به دست می آید	۹
۷۱۰	نشانگر مقیاس	scale indicator	[مهندسی نقشه برداری]	دستگاهی دارای مقیاس مدرج لگاریتمی برای تعیین مقیاس طبیعی نقشه بر پایه نشانه های مقیاس ترسیمی یا بازه های عرض جغرافیایی روی نقشه	۹
۷۱۱	عدد مقیاس	scale number	[مهندسی نقشه برداری]	مخرج یک مقیاس کسری	۸
۷۱۲	مقیاس مدل برجسته	scale of a stereoscopic model	[مهندسی نقشه برداری]	نسبت یک فاصله اندازه گیری شده بر روی مدل برجسته به فاصله نظیرش بر روی شیء واقعی	۹
۷۱۳	مقیاس برداشت آب نگاشتی	scale of hydrographic survey	[مهندسی نقشه برداری]	مقیاسی که در آن موقعیت های عمق یابی بر روی برگ نقشه آب نگاشتی ترسیم می شود	۱۰

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	د ف تر
۷۱۴	مدار مقیاس	scale parallel	[مهندسی نقشه‌برداری]	مداری که مقیاس تعریف شده برای آن در سامانه تصویر (map projection) مربوط صحیح است	۹
۷۱۵	مقیاس گذاری	scaling ۶	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایند تعیین یا تغییر مقیاس یک عکس یا نقشه	۲
۷۱۶	عارضه‌نگاری سطح دریا	sea surface topography	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌برداری عوارض سطح اقیانوس در یک منطقه	۵
۷۱۷	ترازیاب خودتنظیم	self-adjusting level, self-aligning level	[مهندسی نقشه‌برداری]	← ترازیاب خودکار	۷
۷۱۸		self-aligning level → self-adjusting level	[مهندسی نقشه‌برداری]		۷
۷۱۹	تصویرسنجی نیمه‌تحلیلی	semi-analytical photogrammetry	[مهندسی نقشه‌برداری]	روشی در تصویرسنجی که در آن از دستگاه‌های قیاسی ارتقایافته و مجهز به ابزارهای رایانه‌ای استفاده می‌شود	۴
۷۲۰	پاره‌چین نیمه‌وآپایش شده	semi-controlled mosaic	[مهندسی نقشه‌برداری]	پاره‌چین عکس‌های هوایی متشکل از عکس‌هایی که به جای نقاط واپایش زمینی نسبت به یک مرجع مختصات دیگر توجیه شده‌اند	۴
۷۲۱	کِشَند نیم‌روزانه	semidiurnal tide	[اقیانوس‌شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه‌برداری]	کِشَندی که در آن در یک روز قمری دو فراکِشَند و دو فروکِشَند با ارتفاع تقریباً برابر رخ می‌دهد	۸
۷۲۲	پاره‌بندی نیمه‌منتظم	semiregular tessellation	[مهندسی نقشه‌برداری]	نوعی پاره‌بندی که در آن از چندضلعی‌های منتظم گوناگون استفاده شود	۱۵
۷۲۳	حساسیت تراز	sensibility of spirit level, sensitivity of spirit level	[مهندسی نقشه‌برداری]	میزان دقت تراز که به شعاع انحنای استوانه شیشه‌ای تراز بستگی دارد	۷
۷۲۴		sensitivity of spirit level → sensibility of spirit level	[مهندسی نقشه‌برداری]		۷
۷۲۵	آشکارساز سنچسگر	sensor detector	[مهندسی نقشه‌برداری]	جزئی از سامانه سنچس‌ازدور که تابش دریافتی را تبدیل به نشانک/ سیگنال ثبت شده می‌کند	۱۴
۷۲۶	خط کرانه	shoreline	[اقیانوس‌شناسی، زمین‌شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه‌برداری]	اثر سطح آب بر ساحل که با کِشَند تغییر می‌کند	۸
۷۲۷	هم‌پوشانی عرضی	sidelap, lateral overlap	[مهندسی نقشه‌برداری]	میزان پوشش مشترک درجهت عرضی بین تصاویر گرفته‌شده در خطوط پروازی مجاور	۱۴
۷۲۸	عملیات اندازه‌بندی	size operation	[مهندسی نقشه‌برداری]	عملیات تخصیص مقادیر جدید، مطابق با مساحت، به هر رده از نقشه	۱۵
۷۲۹	نقشه‌نما	sketch map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه دستی ساده که بدون رعایت مقیاس و توجیه شکل، روابط اساسی مکانی را نمایش می‌دهد	۵
۷۳۰	عملیات بُرش‌زنی	slice operation	[مهندسی نقشه‌برداری]	تخصیص مقادیر جدید از طریق تقسیم دامنه مقادیر نقشه به فواصل معین	۱۵
۷۳۱	نقشه کوچک‌مقیاس	small-scale map	[مهندسی نقشه‌برداری]	عموماً، نقشه‌ای که در مقیاس ۱:۵۰۰۰۰ تا ۱:۲۵۰۰۰۰ تهیه شده باشد	۸
۷۳۲		soft copy → digital photogrammetry	[مهندسی نقشه‌برداری]		۴
۷۳۳		soft copy photogrammetry → digital photogrammetry	[مهندسی نقشه‌برداری]		۴
۷۳۴		soft copy workstation → digital	[مهندسی نقشه‌برداری]		۴

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
		photogrammetric workstation			
۷۳۵		soft copy workstation → digital photogrammetric workstation	[مهندسی نقشه برداری]		۴
۷۳۶	خور کِشند	solar tide	[اقیانوس شناسی، زمین شناسی، ژئوفیزیک، علوم جو، مهندسی نقشه برداری]	جزئی از کِشند که فقط براثر گرانش خورشید ایجاد می شود	۸
۷۳۷	عمق یابی	sounding ۲	[ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	اندازه گیری عمق دریاها و دریاچه ها و رودخانه ها با وسایل مختلف	۲
۷۳۸	تصویر سنجی فضایی	space photogrammetry, satellite photogrammetry	[مهندسی نقشه برداری]	شاخه ای از تصویر سنجی که در آن از سکوها ی فضایی برای عکس برداری استفاده می شود	۴
۷۳۹	بافت آگاهی مکانی	spatial context awareness/ spatial contextual awareness, geographical awareness	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی بافت آگاهی که در آن از اطلاعات بافتی از قبیل موقعیت مکانی و زمان در سامانه اطلاعاتی استفاده می شود	۹
۷۴۰	جمع سپاری مکانی	spatial crowdsourcing	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند جمع سپاری مجموعه ای از وظایف مکانی به مجموعه ای از عاملان که مستلزم سفر آنها به آن مکان ها است	۱۵
۷۴۱		spatial information system → geospatial information system	[مهندسی نقشه برداری]		۴
۷۴۲	نقشه خاص منظوره	special-purpose map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه ای که برای یک منظور ویژه طراحی می شود	۸
۷۴۳	مشخصات پیمایش	specifications for a traverse, traverse specifications	[مهندسی نقشه برداری]	جزئیات ضروری مربوط به روش ها و معیارهای یک پیمایش نقشه برداری	۹
۷۴۴	نوار طیفی	spectral band	[مهندسی نقشه برداری]	بازه ای طول موجی در طیف الکترومغناطیسی	۱۴
۷۴۵	مقیاس سرعت	speed scale	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی مقیاس ترسیمی که با استفاده از آن می توان آهنگ سرعت کشتی برداشت یا مسافتی را که در یک زمان مشخص طی کرده است به راحتی تعیین کرد	۸
۷۴۶		spherical level → circular level	[مهندسی نقشه برداری]		۷
۷۴۷		spirit level → level ۱	[مهندسی نقشه برداری]		۲
۷۴۸	شاخه پیمایش	spur traverse, stub traverse	[مهندسی نقشه برداری]	هر پیمایش کوتاهی که از پیمایش اصلی جدا شود تا به نقطه یا محل خاصی برسد	۹
۷۴۹	چوبه تراز یابی	staff ۱	[مهندسی نقشه برداری]	میل های مدرج برای اندازه گیری اختلاف ارتفاع و فاصله مت. چوبه ۲	۲
۷۵۰		standard distance deviation → standard distance	[مهندسی نقشه برداری]		۹
۷۵۱	فاصله معیار	standard distance, standard distance deviation	[مهندسی نقشه برداری]	اندازه ای برای بیان فشردگی توزیع مکانی عوارض پیرامون مرکز میانگین آن	۹
۷۵۲	برداشت معیار	standard survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشت براساس ملاک های از پیش تعریف شده مقیاس و درستی و محتوا	۷

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۷۵۳	نقشه ایستا	static map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه‌ای که اطلاعات مربوط به یک زمان مشخص را ارائه می‌دهد	۵
۷۵۴		stereo image → stereo imagery	[مهندسی نقشه برداری]		۱۲
۷۵۵		stereo image → stereoscopic image	[مهندسی نقشه برداری]		۱۰
۷۵۶	جفت تصویر ۲	stereo imagery/ stereo image	[مهندسی نقشه برداری]	دو تصویر هم‌پوشان از یک موضوع که مشاهده آن دیدی سه بعدی را القا می‌کند	۱۲
۷۵۷	دستگاه تبدیل	stereoplotter, stereoplotting instrument, restitutive instrument, stereoscopic plotter, stereoscopic plotting instrument, photogrammetric plotter, photo- grammetric plotting instrument	[مهندسی نقشه برداری]	دستگاه ترسیمی که امکان اندازه‌گیری بر روی مدل برجسته را فراهم می‌کند و با ابزار نوری یا مکانیکی یا رقمی این اندازه‌گیری‌ها را به نقشه تبدیل می‌کند	۴
۷۵۸		stereoplotting instrument → stereoplotter	[مهندسی نقشه برداری]		۴
۷۵۹	تبدیل ۶	stereoplotting, restitution	[مهندسی نقشه برداری]	عملیات تصویرسنجی که به کمک دستگاه تبدیل بر پایه برجسته‌بینی انجام می‌شود	۴
۷۶۰	برجسته‌نما	stereoscope	[مهندسی نقشه برداری]	وسیله‌ای که برای برجسته‌بینی تصاویر به کار می‌رود	۴
۷۶۱	تصویر برجسته‌نما	stereoscopic image, stereo image	[مهندسی نقشه برداری]	تصویری که بیننده در هنگام مشاهده آن را سه بعدی احساس می‌کند	۱۰
۷۶۲		stereoscopic plotter → stereoplotter	[مهندسی نقشه برداری]		۴
۷۶۳		stereoscopic plotting instrument → stereoplotter	[مهندسی نقشه برداری]		۴
۷۶۴	برجسته‌بینی	stereoscopic vision ۱	[مهندسی نقشه برداری]	قابلیت درک فضای سه بعدی و تشخیص عمق با استفاده از هندسه جفت تصویری	۴
۷۶۵	برجسته‌نمایی	stereoscopy	[مهندسی نقشه برداری]	دانش و فناوری ایجاد تصویر ذهنی سه بعدی بر پایه عکس‌های هم‌پوش از شیء یا بهره‌گیری از قابلیت دستگاه بینایی انسان	۴
۷۶۶	فاصله مستقیم	straight line distance	[مهندسی نقشه برداری]	از نظر ریاضی، کوتاه‌ترین فاصله میان دو نقطه	۱۰
۷۶۷		stride level → striding level	[مهندسی نقشه برداری]		۷
۷۶۸	تراز آزاد	striding level, stride level	[مهندسی نقشه برداری]	ترازی که موازی با محور افقی دستگاه نقشه‌برداری بر روی آن قرار داده می‌شود و از آن برای اندازه‌گیری انحراف محور افقی نسبت به صفحه افق استفاده می‌کنند	۷
۷۶۹	پاره‌چین نواری	strip mosaic	[مهندسی نقشه برداری]	پاره‌چینی که تنها دربردارنده یک ردیف عکس است یا از کنار هم گذاشتن نوارهای پاره‌چین تولید شود	۴
۷۷۰		stub traverse → spur traverse	[مهندسی نقشه برداری]		۹
۷۷۱	برداشت نیمه‌شهری	suburban survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که از اراضی واقع در خارج شهر و مناطق کم‌تراکم انجام می‌شود	۷
۷۷۲		sun-centred coordinate system → helio centric	[مهندسی نقشه برداری]		۵

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	د ف تر
		coordinate system			
۷۷۳	عدسی زاویه بسیار باز	superwide-angle lens	[مهندسی نقشه برداری]	عدسی دوربینی که میدان دید زاویه‌ای آن بیش از ۱۰۰ درجه باشد	۲
۷۷۴	جذبایی سطح	surface absorbance	[مهندسی نقشه برداری]	کسری از تابش که جذب سطح می‌شود	۱۴
۷۷۵		surface absorbtivity → surface absorptance	[مهندسی نقشه برداری]		۱۴
۷۷۶	جذبندگی سطح	surface absorptance, surface absorbtivity	[مهندسی نقشه برداری]	معیاری برای نشان دادن میزان جذب نور توسط مواد شیمیایی مختلف در سطح	۱۴
۷۷۷	جذب سطحی ۲	surface absorption/ surface absorbtion	[مهندسی نقشه برداری]	فرایندی که در طی آن ذرات موجود در سطح انرژی تابشی جذب می‌کنند	۱۴
۷۷۸	برداشت ۱	survey ۱	[مهندسی نقشه برداری]	فرایند تعیین موقعیت و وسعت و منحنی تراز یک منطقه که معمولاً برای تهیه نقشه انجام می‌شود	۷
۷۷۹	طبقه برداشت	survey class	[مهندسی نقشه برداری]	دسته‌ای از برداشتها که در برخی معیارهای مشخص دارای اشتراکاتی باشند	۷
۷۸۰	علامت برداشت	survey marker, marker ۱, mark ۱	[مهندسی نقشه برداری]	نشانه‌ای که برای مشخص کردن ایستگاه برداشت در محل مورد نظر نصب می‌شود	۷
۷۸۱	ناوبری برداشت	survey navigation	[مهندسی نقشه برداری]	ناوبری هوایی که بخشی از فرایند برداشت هوایی است	۷
۷۸۲	سامانه ناوبری برداشت	survey navigation system	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی سامانه ناوبری برای ناوبری و برداشت هوایی	۷
۷۸۳		survey net → survey network	[مهندسی نقشه برداری]		۷
۷۸۴	شبکه برداشت	survey network, survey net	[مهندسی نقشه برداری]	شبکه‌ای که رئوس آن ایستگاه‌های برداشت است	۷
۷۸۵	نشانه برداشت	survey signal	[مهندسی نقشه برداری]	یک شیء یا عارضه طبیعی یا سازه مصنوع با موقعیت معلوم که به وضوح و با سهولت قابل مشاهده باشد	۷
۷۸۶	ایستگاه برداشت	survey station	[مهندسی نقشه برداری]	نقطه‌ای که در آن یا از آن مشاهدات لازم برای برداشت انجام می‌شود	۷
۷۸۷	پیمایش برداشت	survey traverse	[مهندسی نقشه برداری]	← پیمایش زاویه‌ای	۱۰
۷۸۸	نقشه برداری	surveying	[مهندسی نقشه برداری]	دانش و فناوری اندازه‌گیری و نقشه‌سازی از موقعیت‌های نسبی نقاط و عوارض در سطح زمین یا بالا و زیر آن یا پیاده کردن این عوارض بر پایه مدارک قانونی و فنی	۴
۷۸۹	دوربین نقشه برداری	surveying camera	[مهندسی نقشه برداری]	← دوربین نقشه‌سازی	۸
۷۹۰	مهندسی نقشه برداری	surveying engineering, geomatics engineering	[مهندسی نقشه برداری]	دانش و فناوری اندازه‌گیری، گردآوری، پردازش، مدل‌سازی، تحلیل، ارائه و مدیریت داده‌های مکانی با هدف تولید نقشه و ایجاد سامانه‌های اطلاعات مکانی بر پایه شاخه‌های ژئودزی، نقشه‌برداری، تصویرسنجی، نقشه‌نگاری، آب‌نگاری، دورکاوی و سامانه اطلاعات مکانی	۴
۷۹۱	نقشه‌بردار	surveyor	[مهندسی نقشه برداری]	کارشناس و متخصص نقشه‌برداری	۴
۷۹۲	متر نقشه برداری	surveyor's tape	[مهندسی نقشه برداری]	نوار مدرجی که در نقشه‌برداری برای اندازه‌گیری فاصله به کار می‌رود	۵
۷۹۳	خطای نظام‌مند	systematic error	[مهندسی نقشه برداری]	خطایی که علامت جبری و تا حدودی اندازه آن به مجموعه‌ای از شرایط بستگی داشته باشد	۲
۷۹۴	تندیاب	tacheometer, tachymeter	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی دستگاه نقشه‌برداری برای تعیین سریع راستا و فاصله	۲
۷۹۵	پیمایش تندیافتی	tacheometric traverse/ tachymetric traverse	[مهندسی نقشه برداری]	پیمایشی که با استفاده از تندیاب یعنی با اندازه‌گیری هم‌زمان فاصله و ارتفاع یا بلندا انجام می‌شود	۹

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	د ف تر
۷۹۶	تُنْدیابی	tacheometry, tachymetry	[مهندسی نقشه‌برداری]	روشی در نقشه‌برداری برای تعیین سریع و هم‌زمان سمت و فاصله و اختلاف ارتفاع توسط تُنْدیاب	۲
۷۹۷		tachymeter → tacheometer	[مهندسی نقشه‌برداری]		۲
۷۹۸		tachymetry → tacheometry	[مهندسی نقشه‌برداری]		۲
۷۹۹	شناسایی نشانه	target identification	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایندی که در آن نشانه‌های تصویری براساس یک قاعدهٔ تصمیم‌گیری مشخص شناسایی می‌شود مت. بازشناسی نشانه target recognition	۱۰
۸۰۰	بازشناسی نشانه	target recognition	[مهندسی نقشه‌برداری]	← شناسایی نشانه	۱۰
۸۰۱	نشانه‌گذاری ۱	targeting ۲, panelling	[مهندسی نقشه‌برداری]	علامت‌گذاری (marking) یا برجسته‌سازی نقاط واپایش زمینی، به‌طوری که بر روی عکس هوایی قابل شناسایی باشد	۱۰
۸۰۲		TDOA → time difference of arrival	[مهندسی نقشه‌برداری]		۷
۸۰۳	دور نقشه‌نگاشتی	telecartographic	[مهندسی نقشه‌برداری]	مربوط به فناوری و تجهیزات دورنقشه‌نگاری	۷
۸۰۴	دورنقشه‌نگاری	telecartography	[مهندسی نقشه‌برداری]	توزیع نماهای نقشه‌نگاشتی از طریق رابط‌های انتقال دادهٔ بی‌سیم و تجهیزات هوایی	۷
۸۰۵	دوری سنج	telemeter	[مهندسی نقشه‌برداری]	وسیله‌ای برای اندازه‌گیری فاصله از راه دور	۴
۸۰۶	دوری سنجی	telemetry	[مهندسی نقشه‌برداری]	اندازه‌گیری فاصله در هر مکان و ارسال داده‌ها به مکان دیگر برای استفاده یا تحلیل	۴
۸۰۷	نقطهٔ پیمایش	teraverse point	[مهندسی نقشه‌برداری]	هر یک از نقاط تلاقی دو ضلع در هر پیمایش مت. نقطهٔ عطف ۱ turning point ۱	۱۰
۸۰۸		terminal-centric positioning → mobile terminal-centric	[مهندسی نقشه‌برداری]		۱۵
۸۰۹	عارضه‌کاوی	terrain analysis	[علوم نظامی، مهندسی نقشه‌برداری]	گردآوری اطلاعات در مورد عوارض طبیعی یا انسان‌ساخت در زمین عملیات و تحلیل و ارزیابی و تفسیر آنها برای پیش‌بینی تأثیرشان بر عملیات نظامی	۱۳
۸۱۰	عارضه‌تمرین	terrain exercise	[علوم نظامی، مهندسی نقشه‌برداری]	تمرینی برای فائق آمدن بر مشکلات یک وضعیت نظامی مشخص بر روی زمین که در آن افراد نظامی فرضی هستند و راهکار معمولاً مکتوب است	۱۳
۸۱۱	دوربین زمینی	terrestrial camera	[مهندسی نقشه‌برداری]	دوربینی که برای عکس‌برداری از روی زمین طراحی شده است	۸
۸۱۲	تصویرسنجی زمینی	terrestrial photogrammetry	[مهندسی نقشه‌برداری]	از روش‌های تصویرسنجی که در آن تصویربرداری از روی زمین انجام می‌شود	۴
۸۱۳	پاره‌بندی	tessellation	[مهندسی نقشه‌برداری]	درمورد یک صفحه، مجموعه‌شکل‌هایی که صفحه را بدون هم‌پوشانی و بدون جافتادگی پر کند	۱۵
۸۱۴	نقشهٔ موضوعی	thematic map, topical map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که هدف اصلی آن نمایش اطلاعاتی علاوه بر اطلاعات مربوط به عوارض فیزیکی سطح زمین است	۴
۸۱۵	نقشه‌ساز موضوعی	Thematic Mapper, TM	[مهندسی نقشه‌برداری]	نام یکی از حسگرهای ماهوارهٔ لندست (Landsat)	۴
۸۱۶	زاویه‌یاب	theodolite	[مهندسی نقشه‌برداری]	وسیله‌ای برای اندازه‌گیری زوایای افقی و قائم که اجزای اصلی آن را یک دوربین و دو دایرهٔ مدرج افقی و قائم تشکیل می‌دهد	۲
۸۱۷	تصویر گرمایی	thermal imagery	[مهندسی نقشه‌برداری]	تصویر حاصل از پوششگری که تنها پرتوهای بازهٔ فروسرخ گرمایی را ثبت می‌کند	۱۲

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	د ف تر
۸۱۸	پیمایش سه بعدی	three dimensional traverse	[مهندسی نقشه برداری]	پیمایشی که در آن هر سه مختصات یک نقطه تعیین می شود	۵
۸۱۹	حوضه کُشندی	tidal basin	[اقیانوس شناسی، زمین شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	حوضه طبیعی یا مصنوعی که تحت تأثیر فعالیت کُشندی قرار دارد	۸
۸۲۰		tidal cycle → tide cycle	[اقیانوس شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]		۸
۸۲۱	روز کُشندی	tidal day	[اقیانوس شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	فاصله زمانی میان دو عبور متوالی ماه از یک نصف النهار مت. روز قمری lunar day	۸
۸۲۲		tidal rise → rise of tide	[اقیانوس شناسی، علوم جو، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]		۸
۸۲۳	چرخه کُشند	tide cycle, tidal cycle	[اقیانوس شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	دوره ظهور کامل پدیده های کُشندی مانند روز کُشندی یا ماه قمری	۸
۸۲۴	نیروی کُشندزا	tide-generating force, tide-producing force	[اقیانوس شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]	نیروی گرانشی ایجادکننده کُشند	۸
۸۲۵		tide-producing force → tide-generating force	[اقیانوس شناسی، ژئوفیزیک، مهندسی نقشه برداری]		۸
۸۲۶	گره نقطه	tie point	[مهندسی نقشه برداری]	نقطه ای که دو یا چند واحد نقشه برداری یا عکسی را به هم پیوند می دهد	۴
۸۲۷	کجی	tilt ۲	[مهندسی نقشه برداری]	زاویه بین محور اصلی دوربین و امتداد شاقولی در هنگام عکس برداری	۵
۸۲۸	دایره کجی	tilt cycle	[مهندسی نقشه برداری]	دایره ای در یک عکس کج به مرکز نقطه هم بار (isocentre point) که قطر آن در راستای خط اصلی عکس است	۵
۸۲۹	جابجایی کجی	tilt displacement	[مهندسی نقشه برداری]	جابجایی نقاط تصویری ناشی از کجی عکس	۵
۸۳۰	کجی سنج	tilt meter	[مهندسی نقشه برداری]	ابزاری برای اندازه گیری و ثبت انحراف های کوچک محور مرجع یک وسیله	۵
۸۳۱	کج	tilted	[مهندسی نقشه برداری]	ویژگی عکس یا محور دستگاه های نقشه برداری که دارای کجی هستند	۵
۸۳۲	ترازیاب انحراف پذیر	tilting level	[مهندسی نقشه برداری]	وسیله ای که، برخلاف ترازیاب یکپارچه، می توان دوربین آن را به کمک پیچی که در زیر آن قرار دارد، حول محوری افقی بر روی صفحه ترازشونده به دوران درآورد تا خط دید آن افقی شود	۵
۸۳۳	اختلاف زمان رسید	time difference of arrival, TDOA	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی روش موقعیت یابی بر مبنای موقعیت یابی هذلولوی با مشاهده اختلاف زمان نشانک های دریافتی از دو ایستگاه مبنا	۷
۸۳۴		TM → thematic mapper	[مهندسی نقشه برداری]		۴
۸۳۵		topical map → thematic map	[مهندسی نقشه برداری]		۴

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۸۳۶	عارضه نقشه برداشتی	topographic feature	[مهندسی نقشه برداری]	عارضه بارز یا بخش مهمی از سطح زمین که در نقشه عارضه نگاشتی نشان داده می شود	۷
۸۳۷	نقشه عارضه نگاشتی	topographic map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه ای که موقعیت مسطحاتی و ارتفاعی عوارض طبیعی و عوارض ساخت بشر را ارائه می دهد	۵
۸۳۸	برداشت عارضه نگاشتی	topographic survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که برای تعیین پستی و بلندی و تعیین موقعیت عوارض طبیعی و غیرطبیعی زمین انجام می شود	۷
۸۳۹	عارضه نگاری	topography	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه برداری عوارض زمین در یک منطقه	۵
۸۴۰	برداشت شهر سازی	town-site survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشتی که برای مشخص کردن راه ها و تقاطع های بخش یا بخش هایی از شهر انجام می شود و با استفاده از آن هر بخش به بلوک و خیابان و کوچه تقسیم می شود مت. برداشت شهر سازی	۷
۸۴۱	نقشه نگاری سنتی	traditional cartography, conventional cartography	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی نقشه نگاری که با دست انجام می شود	۴
۸۴۲	نقشه شدا آمد	traffic-circulation map, circulation map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه ای که در آن مسیرهای اصلی و مسیرهای جانشین برای تنظیم شدا آمد نشان داده می شود	۸
۸۴۳	پیمایش ۲	traverse ۱	[مهندسی نقشه برداری]	تعیین مختصات ایستگاه ها در زنجیره ای از ایستگاه های نقشه برداری	۲
۸۴۴	سرشکنی پیمایش	traverse adjustment	[مهندسی نقشه برداری]	اعمال روش کمترین مربعات برای سرشکن کردن پیمایش	۹
۸۴۵	زاویه پیمایش	traverse angle	[مهندسی نقشه برداری]	زاویه افقی بین دو ایستگاه پیمایش مجاور	۵
۸۴۶		traverse classification → classification of traverses	[مهندسی نقشه برداری]		۹
۸۴۷	شبکه پیمایش	traverse network	[مهندسی نقشه برداری]	شبکه ژئودزی (geodesy) که در آن ایستگاه ها با پیمایش تعیین شده اند	۵
۸۴۸	تخته سه پایه پیمایش	traverse planetable	[مهندسی نقشه برداری]	تخته رسمی قابل چرخش بر روی سه پایه که در گوشه ای از آن قطب نما قرار دارد	۹
۸۴۹		traverse specifications → specifications for a traverse	[مهندسی نقشه برداری]		۹
۸۵۰	ایستگاه پیمایش	traverse station ۱	[مهندسی نقشه برداری]	نقطه ای که دستگاه بر روی آن مستقر است و مشاهدات در آنجا انجام می شود	۵
۸۵۱	نقطه پیمایش	traverse station ۲	[مهندسی نقشه برداری]	نقطه ای که مختصات آن را با پیمایش تعیین می کنند	۵
۸۵۲	جدول پیمایش	traverse table	[مهندسی نقشه برداری]	جدولی که در آن فهرست طول اضلاع پیمایش در مقابل زوایا درج شده است	۹
۸۵۳	پیمایش ۳	traversing	[مهندسی نقشه برداری]	← چند ضلعی بندی	۱۰
۸۵۴	سه زوایه بندی	triangulation ۱	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی مثلث بندی که در آن موقعیت نقاط را با اندازه گیری زوایای مثلث های تشکیل شده بین نقاط تعیین می کنند	۵
۸۵۵	مثلث بندی	triangulation ۲	[مهندسی نقشه برداری]	روشی در نقشه برداری که در آن برای تعیین مختصات مجموعه ای از نقاط از مثلث های تشکیل شده بین آنها استفاده می کنند	۵
۸۵۶		triangulation net → triangulation network	[مهندسی نقشه برداری]		۵

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	دفتر
۸۵۷	شبکه مثلث بندی	triangulation network, triangulation net	[مهندسی نقشه برداری]	شبکه ای که در آن ایستگاه های نقشه برداری از رئوس مثلث بندی و اضلاع از فاصله ها یا امتداد های سرشکن شده تشکیل شده اند	۵
۸۵۸		trig levelling → trigonometric levelling	[مهندسی نقشه برداری]		۷
۸۵۹		trig traverse → trigonometric traverse	[مهندسی نقشه برداری]		۵
۸۶۰	ترازیابی مثلثاتی	trigonometric levelling, trig levelling	[مهندسی نقشه برداری]	تعیین اختلاف ارتفاع با اندازه گیری زوایای قائم بین نقاط مت. ارتفاع یابی مثلثاتی trigonometric heighting زاویه یابی قائم vertical angulation	۷
۸۶۱	پیمایش مثلثاتی	trigonometric traverse, trig traverse	[مهندسی نقشه برداری]	پیمایشی که در آن طول پهلوهامستقیم اندازه گیری نمی شود، بلکه به کمک روابط مثلثاتی، براساس زوایای اندازه گیری شده، محاسبه می شود	۵
۸۶۲	سه پهلوبندی	trilateration	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی مثلث بندی که در آن موقعیت نقاط را با اندازه گیری سه پهلوی مثلث های تشکیل شده بین نقاط تعیین می کنند	۵
۸۶۳	شبکه سه پهلوبندی	trilateration network	[مهندسی نقشه برداری]	نوعی شبکه نقشه برداری که در آن نقاط نقشه برداری با روش سه پهلوبندی تعیین موقعیت شده اند	۵
۸۶۴	سمت حقیقی	true azimuth	[مهندسی نقشه برداری]	زاویه ای که در صفحه افقی نسبت به صفحه قائم گذرنده از قطب سماوی و صفحه قائم گذرنده از شیء مشاهده شده اندازه گیری شود مت. سمت نجومی astronomical azimuth	۹
۸۶۵	سویه حقیقی	true bearing	[مهندسی نقشه برداری]	زاویه افقی بین خط نصف النهار و یک خط بر روی زمین	۹
۸۶۶	افق حقیقی	true horizon, geometric horizon/ geometrical horizon	[مهندسی نقشه برداری]	در تصویرسنجی، صفحه ای افقی که از نقطه دید یا مرکز تصویر (centre perspective) می گذرد	۹
۸۶۷	نقطه عطف ۱	turning point ۱	[مهندسی نقشه برداری]	← نقطه پیمایش	۱۰
۸۶۸		UBGI → ubiquitous geographical information	[مهندسی نقشه برداری]		۹
۸۶۹	نقشه نگاری همه جاگاه	ubiquitous cartography	[مهندسی نقشه برداری]	امکانی برای کاربران در ایجاد نقشه ها و استفاده از آنها در هر مکان و در هر زمان برای مکان یابی و راهیابی و انتخاب مسیر	۹
۸۷۰	اطلاعات مکانی همه جاگاه	ubiquitous geographical information, UBGi	[مهندسی نقشه برداری]	اطلاعات مکانی که با تجهیزات مخابراتی به کاربران یا سامانه ها در هر زمان و در هر مکان ارائه می شود	۹
۸۷۱	پاره چین واپایش نشده	uncontrolled mosaic	[مهندسی نقشه برداری]	پاره چین عکس های هوایی که در آن عکس ها یا از نظر توجیه یا از نظر مقیاس نسبت به نقاط واپایش زمینی تعدیل و تنظیم نشده اند	۴
۸۷۲	نقشه برداری زیر زمینی	underground surveying	[مهندسی نقشه برداری]	شاخه ای از نقشه برداری که موضوع آن اندازه گیری و نقشه سازی عوارض درون یا زیر زمین است	۴
۸۷۳		universal level → circular level	[مهندسی نقشه برداری]		۷
۸۷۴	نقشه شهری	urban map, city map	[مهندسی نقشه برداری]	نقشه یک شهر یا منطقه شهری	۸
۸۷۵	برداشت شهری	urban survey, city survey	[مهندسی نقشه برداری]	برداشت مربوط به یک شهر و حومه آن	۷
۸۷۶	موقعیت یابی کاربر محور	user-centric positioning	[مهندسی نقشه برداری]	تعیین مکان یا محور قرار دادن پایانه کاربر مت. موقعیت یابی پایانه محور	۱۵
۸۷۷		V ^۲ R → vector to raster conversion	[مهندسی نقشه برداری]		۵

ردیف	برابر نهاد فارسی	واژه بیگانه	کار گروه	تعریف	د ف تر
۸۷۸	داده بُرداری	vector data	[مهندسی نقشه‌برداری]	نوعی انتزاع از جهان واقعی که در آن موقعیت داده به شکل مختصات بیان می‌شود و واحدهای پایه در آن عبارت‌اند از نقطه و خط و چندضلعی	۵
۸۷۹	مدل داده بُرداری	vector data model	[مهندسی نقشه‌برداری]	بیان انتزاعی از جهان واقع که در آن موقعیت داده‌ها با مختصات آنها ارائه می‌شود	۵
۸۸۰	تبدیل بُرداری به شطرنجی	vector to raster conversion, V ^۲ R, VtoR	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایندی که در آن داده‌های بُرداری شامل نقاط و خطوط و چندضلعی‌ها به داده‌های شطرنجی یعنی خانه‌های کوچک با مقادیر گسسته تبدیل می‌شوند	۵
۸۸۱	بُرداری‌سازی	vectorisation/ vectorization	[مهندسی نقشه‌برداری]	فرایند تبدیل داده‌های شطرنجی به داده‌های بُرداری	۵
۸۸۲		vectorization → vectorisation	[مهندسی نقشه‌برداری]		۵
۸۸۳	مقیاس توصیفی	verbal map scale	[مهندسی نقشه‌برداری]	نسبت یک فاصله کوتاه بر روی نقشه به همان فاصله بر روی بیضوی زمین که با یک جمله بیان می‌شود	۸
۸۸۴	زاویه‌یابی قائم	vertical angulation	[مهندسی نقشه‌برداری]	← تراز یابی مثلثاتی	۷
۸۸۵	دایره مدرج قائم	vertical circle	[مهندسی نقشه‌برداری]	دایره مدرجی که برای اندازه‌گیری زاویه قائم در بعضی از دستگاه‌های نقشه‌برداری نظیر زاویه‌یاب، عمود بر محور افقی دستگاه قرار دارد	۷
۸۸۶	شبکه واپایش ارتفاعی	vertical control network	[مهندسی نقشه‌برداری]	مجموعه‌ای از نقاط با مختصات ارتفاعی معلوم که برای واپایش عملیات نقشه‌برداری به کار می‌رود	۴
۸۸۷	نقطه واپایش ارتفاعی	vertical control point	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقطه‌ای با مختصات ارتفاعی معلوم که برای کنترل عملیات به کار می‌رود	۴
۸۸۸	گذرنقطه ارتفاعی	vertical pass point	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقطه‌ای در ناحیه پوشش مشترک عکس‌ها که ارتفاع آن معلوم می‌شود	۴
۸۸۹	عکس قائم	vertical photograph	[مهندسی نقشه‌برداری]	عکسی که در هنگام تهیه آن، محور دوربین بیش از ۳ تا ۵ درجه از امتداد قائم انحراف نداشته باشد	۲
۸۹۰		VGI → volunteered geographic information	[مهندسی نقشه‌برداری]		۱۵
۸۹۱	نقشه دید	visibility map	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقشه‌ای که نواحی فاقد امکان دید مستقیم را مشخص می‌کند	۴
۸۹۲	افق مرئی	visible horizon	[مهندسی نقشه‌برداری]	← افق ظاهری	۹
۸۹۳	اطلاعات مکانی مردم‌گستر	volunteered geographic information/ volunteer geographical information, VGI, volunteered geospatial information	[مهندسی نقشه‌برداری]	محتوای مکانی تولیدشده توسط کاربر در وبگاه‌های گوناگون برای برآوردن نیازهای بخش‌های صنعتی و دولتی و شبکه‌های اجتماعی	۱۵
۸۹۴		volunteered geospatial information/ volunteer geospatial information → volunteered geographic	[مهندسی نقشه‌برداری]		۱۵
۸۹۵		VtoR → vector to raster conversion	[مهندسی نقشه‌برداری]		۵
۸۹۶	رهیابی	wayfinding	[مهندسی نقشه‌برداری]	یافتن همه راه‌هایی که مردم از طریق آنها از مکانی به مکان دیگر می‌روند	۱۵

ردیف	برابرنهاد فارسی	واژه بیگانه	کارگروه	تعریف	دفتر
۸۹۷	عدسی زاویه‌باز	wide-angle lens	[مهندسی نقشه‌برداری]	عدسی دوربینی که میدان دید زاویه‌ای آن بین ۷۵ تا ۱۰۰ درجه باشد	۲
۸۹۸	گوشه شاهد	witness corner	[مهندسی نقشه‌برداری]	نقطه‌ای علامت‌گذاری شده بر روی زمین سفت با فاصله و راستای اندازه‌گیری شده از گوشه‌ای که خود آن را نمی‌توان به‌طور دائم علامت‌گذاری کرد	۱۰